

تجدید

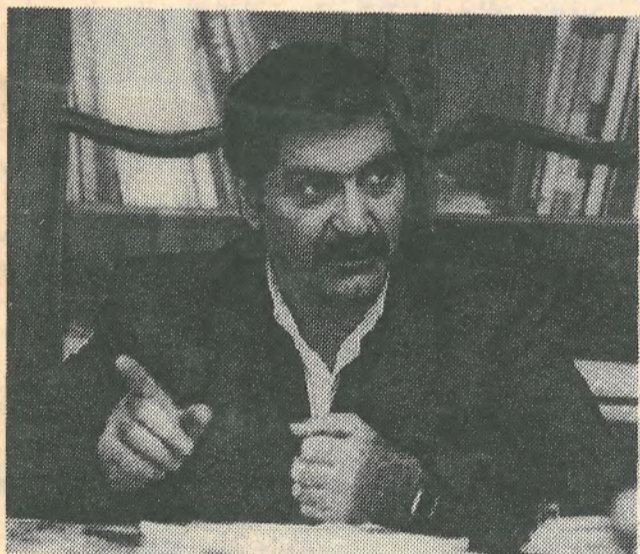
هفته نامه سیاسی
اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی
شنبه ۱۶ دی ماه ۱۳۷۴
۱۴ شعبان ۱۴۱۶
۶ ژانویه ۱۹۹۶
شماره اول - سال اول
۱۶ صفحه - ۵۰ تومان

بودجه ۷۵ رشد سریع تر یا ثبات بیشتر

دکتر عظیمی: غالباً فکر می کنند مشکلات اقتصادی ما به خاطر نادرستی سیاستها و برنامه هایی است که پیش می گیریم، ولی به نظر من، مشکل ما در ساختارها و نهادهاست. آیا اقتصاد ایران بر سر یک دو راهی قرار دارد؟ پاسخ گروهی از اقتصاددانان به این سؤال مثبت است. از نظر آنان در کوتاه مدت، ایران باید یا از میزان مخارج شرکتهای دولتی، از جمله در زمینه سرمایه گذاری بکاهد و یا اینکه خود را برای مواجهه با نرخ

دکتر عظیمی: غالباً فکر می کنند مشکلات اقتصادی ما به خاطر نادرستی سیاستها و برنامه هایی است که پیش می گیریم، ولی به نظر من، مشکل ما در ساختارها و نهادهاست.

دکتر عظیمی: غالباً فکر می کنند مشکلات اقتصادی ما به خاطر نادرستی سیاستها و برنامه هایی است که پیش می گیریم، ولی به نظر من، مشکل ما در ساختارها و نهادهاست.



دکتر عظیمی جهت گیری های لازم، برای افزایش سرمایه گذاری را بر شمرد

را جذب نمود و از این طریق هم به رشد اقتصادی بیشتری دست یافت و هم از حجم نقدینگی سرگردان در جامعه کاست. دکتر حسین عظیمی در مصاحبه خود با بهمن، از همین دیدگاه دفاع می کند. به گمان ما ایجاد فضای مناسب برای ادامه این گفتگو، ضروری است.

صفحه ۲ و ۴



مجلس پنجم: انحصار یا فراگیری

نحوه برگزاری و نوع سازماندهی انتخابات مجلس کاملاً به این بستگی دارد که چه دیدگاهی در مورد ترکیب مطلوب نمایندگان مجلس در میان صاحب نظران و در نهایت مسئولان مورد قبول و پذیرش واقع شود. اگر دیدگاه ما این باشد که بهترین مجلس، مجلسی است که نمایندگان آن یکدست و همگی متعلق به یک جناح خاص بوده و وفاداری آنها به مواضع این جناح در چند نوبت کنترل و اثبات شده باشد، آنگاه انتخابات متناسب، انتخاباتی خواهد بود با سختگیری بسیار و دایره ای محدود که داوطلبان آن بایستی از صافیهای مختلف گذشته و نه تنها وفاداری که تسلیم در مقابل رهبری یک جریان خاص را نیز اعلام کرده باشند. اما اگر تصور ما این باشد که مجلس مطلوب، مجلسی است که نمایندگان جریانهای مختلفی که پایگاه و رشد اجتماعی دارند، در آن حضور داشته و از منافع گروه اجتماعی که بر آن متکی اند، دفاع می کنند و به علاوه صاحبان دیدگاههای مختلف که در چهارچوب نظام سیاسی کشور و با اعتقاد به

در صفحه ۶

هوای وارونه، نفس های آلوده

حل مشکل آلودگی هوا بدون عزم و اراده دولت ممکن نیست

با آنکه در یک روز، از فروش مجوز روزانه ترافیک خودداری شد، اما این امکان وجود داشت که از نخستین روزهای وارونگی هوا و احتمال شدیدتر شدن آلودگی، این سیاست دنبال شود. در جلوگیری از آلودگی، مردم از دولت انتظار برخوردار و فعالیت دارند. دولت نیز از مردم، گویی هر گروه نیز فقط به یکدیگر توصیه اخلاقی می کنند. همچنین به نظر می رسد برنامه های سازمان محیط زیست فاقد ضمانت اجرایی است. شکی نیست بدون تمرکز سازمانی و قانونی مبتنی بر عزم و اراده دولت، اقدامات پراکنده این یا آن سازمان به جایی نمی رسد. آیا چاره جز این نیست که به انتظار ابر، باد و فلک بنشینیم.

هوای آلوده تهران، مهم ترین مسئله زیست محیطی در هفته های اخیر بوده است. ظاهراً به مرور زمان بر شدت آلودگی، افزوده می شود و رسانه های جمعی نیز هر بار، هشدارهای لازم را به مسئولان و مردم می دهند. اما به نظر می رسد این زنگ خطری است که هر بار به صدا در می آید، اما کمتر کسی برای اقدام، آستین بالا می زند. کافی است هشدارهای این هفته توجه کنیم و اقداماتی را که برای جلوگیری از آلودگی اعلام شده، شمارش کنیم. ساده ترین انتظار در مورد جلوگیری از افزایش شدت آلودگی این بود که در مورد عبور و مرور خودروهای دودزا، اقدامی جدی صورت می گرفت. اما در سطح شهر شاهد رفت و آمد این قبیل خودروها بودیم. شرکت واحد اتوبوس رانی می توانست در مورد اتوبوس های خود، تصمیمی جدی بگیرد و دست کم اتوبوسها یا مینی بوسهای دودزا را برای مدت چند روز متوقف کند هر چند این اقدامات، خود مشکل می آفریند.

بررسی اجتماعی

مخالفت هایی که نباید جدی گرفت

دیدگاه های جامعه روحانیت مبارز درباره دیگران

سرمایه گذاری خارجی

فقط خارجی ها نیستند خودمان هم تردید داریم

● خطرات

سید محمد کاظم بجنوردی: بنیانگذاری حزب ملل اسلامی

● گفتگوهای نظری

محسن کدیور نظریه های دولت در فقه سیاسی

● جهان ما

۴گام تا ۲۰۰۰

● گفتگوی فرهنگی

بهاء الدین خرمشاهی مصحف شریف: در جستجوی ترجمه ای امروزی

● مهدویت

موعودگرایی و اندیشه ترقی

بوروکراسی بررسی حیات نشر کشور را تهدید می کند

۹۰ سال با حضور مردم یا به نام مردم

بهن

سایه آفتاب

امام علی (ع)

بر مشکلات روزگار، جز به یاری خرد، نمی توان چیره گشت.

خردها راهبران اندیشه هانید، و اندیشه ها راهبران دلها، و دلها راهبران حسها، و حسها، راهبران اندامها.

ملاک در هر چیز عقل است.

ثمره خرد، پایداری و ایستادگی است.

عقل اصلاح کننده هر کار است.

به نقل از الحیة

ترجمه فارسی جلد اول

بهن

هفته نامه ای در زمینه سیاست، اقتصاد، اجتماع و فرهنگ با روش خبری - تحلیلی صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سیدعطاءالله مهاجرانی سردبیر: علیرضا علوی تبار لیتوگرافی و چاپ: ایرانچاپ نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۶۵-۱۳۱۶۵ تلفن تحریریه ۸۸۵۵۲۵۶

مسئولیت ویرایش و تلخیص مطالب رسیده بر عهده بهمن است. مطالبی که با قید نام نویسنده و یا منبع خبر قید می شود لزوماً منعکس کننده نظرات بهمن نخواهد بود. نقل مطالب بهمن، با ذکر مأخذ بلامانع است.

یادداشت بهمن

- ۱ - هیأت محترم نظارت بر مطبوعات در اولین فرصت ممکن؛ ۱۵ آبان ۱۳۷۴، مجوز بهمن را صادر کرد.
- ۲ - به یمن تلاش و مهر همکاران بهمن، سازماندهی نشریه و سامان کار به سرعت انجام شد و بهمن درست دو ماه بعد از صدور مجوز، این امکان را یافت که در اختیار شما قرار گیرد. خود را نیازمند راهنمایی و نقد و نظر خوانندگان خوب و به ویژه اهل قلم و همکاران مطبوعاتی می دانیم.
- ۳ - امکانات و تدارک اولیه بهمن بر کاکل قرض می گردد. امیدواریم به نقطه ای برسیم که به یاری خوانندگان به ویژه از طریق اشتراک، بتوانیم هزینه بهمن را تأمین کنیم.
- ۴ - بهمن تیراژ خود را در هر

سخن نو

ابر بهمنی

صبح است و ژاله می چکد از ابر بهمنی حافظ شیرازی

شماره نخست بهمن در دست شماست. خداوند سبحان را سپاس می گذاریم که طبق پیش بینی و برنامه در زمان مناسب شماره نخست بهمن منتشر شده است. در نخستین سخن نو به نظرم آمد انگیزه و جهت نامگذاری نشریه را توضیح دهم:

- ۱ - بهمن نام گلی است، سپید رنگ و نیز سرخ رنگ.
- ۲ - نام پرده ای از پرده های موسیقی است، منوچهری سروده است: "به گوش اندرون بهمن و قیصران"
- ۳ - نام عقل اول یا صادر اول است. سهروردی به همین مفهوم اشاره کرده است.
- ۴ - نام فرشته ای است که تسکین خشم و قهر دهد و غضب فرونشاند.

۵ - نمونه هستی یافته منش نیک الهی است، از این رو، از همه صفات خداوند به آفریننده نزدیکتر است، در اوستا این مفهوم بارها تکرار شده است.

۶ - برکنده برف از کوه است که در اثر تابش تند آفتاب روانه می شود.

۷ - و سرانجام، بهمن ماه پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام سلطنتی کهن در کشور ماست: "بهمن فر ایمان ماست".

هر یک از ما مثل دانه برف که هندسه ای آسمانی دارد در پناه و پرتو آفتاب اسلام و نگاه روشن امام و سخنان از جنس آب و آتش و ابریشم او به یکدیگر پیوستیم و بهمن انقلاب اسلامی ساختار استبداد و استیلای خارجی را منهدم ساخت.

اکنون زمان توسعه، سازندگی بنیادها و نهادهای صنعتی و کشاورزی و خدماتی و شگوفایی مؤسسات علمی و فنی و آموزشی است. زمان اعتلاء ملت ماست.

در این مرحله می توان دو گونه دید و یا داوری داشت. می توان زاویه دید را پرداختن و بزرگ نمایی اختلافات انتخاب کرد. اختلاف نظر و سلیقه را مبنای بررسی و داوری قرار داد و هر روز فردی یا گروهی را به کناری راند تا به اصطلاح قطار انقلاب در هر ایستگاه عده ای را پیاده کند. و نیز می توان زاویه دید را وجوه مشترک و موافق قرار داد تا همه افراد و گروهها در توسعه و سازندگی ایران اسلامی به هر قدر که می توانند مشارکت و حضور داشته باشند و قطار انقلاب در هر ایستگاه عده ای را همراه خود سازد.

"بهمن" به زاویه دید و داوری دوم اعتقاد دارد و باور دارد چنین منش و تحرکی به مفهوم نادیده گرفتن مبانی باورهای دینی و یا انقلابی نیست.

بهمن قائل به فضای روشن و نشاط انگیز و تحرک آفرین تضارب آراء و اندیشه ها است. فضایی محترم و منطقی که حرمت و اعتبار صاحب نظر و اندیشه رعایت و حفظ می شود در عین اینکه ممکن یا محتمل است نظر او رد و نفی گردد.

بهمن از صاحبان اندیشه و نظر، برای همکاری و همراهی و راهنمایی دعوت می کند.

صبح معنویت در آخرین دهه قرن بیستم شور آفرین و امیدبخش است. صبح تحقق تمدنی جدید که متعلق به فرهنگ عمیق و غنی ایران اسلامی است.

این صبح نیازمند ابرهای باران زا است نه بادهای خشک و ابرهای سترون و آزاردهنده کویری.

تلاش ما و انگیزه ما این است که حتی اگر شده به قدر شبنم صبح در این معنویت نقش و اثر داشته باشیم و البته نه بدون یاری شما که به ابر پر باری می مانید، ابر بهمنی، حافظ سروده است:

"صبح است و ژاله می چکد از ابر بهمنی"

سیدعطاءالله مهاجرانی

رشد سریعتر یا ثبات بیشتر

رهایی از تناقض سیاستهای پولی ضد تورمی و سیاستهای مالی ضد رکودی تنها در پرتو انضباط اقتصادی، افزایش کارایی و کاهش هزینه ها تا حد ممکن و حذف هزینه های بدون بازده امکان پذیر است

لایحه بودجه سال ۱۳۷۵ یک بار دیگر، در مرتبه اول سیاستگذاران و در مرتبه بعد، مردم را بر سر دوراهی یک انتخاب اساسی قرار داده است. طی سالهای پس از پیروزی انقلاب، اقتصاد ما چند بار در مقابل انتخاب میان رشد سریعتر و ثبات بیشتر قرار گرفته است. داستان از این قرار است که طی سالهای اخیر هرگاه خواسته ایم ظرفیتهای تولیدی کشور را افزایش داده و از این طریق بر میزان تولید ملی بیفزاییم، دریافتیم که این کار بیش از هر چیز نیازمند اجرای طرح های عمرانی و انجام سرمایه گذاری های جدید است. روشن است که سرمایه گذاری جدید بدون تأمین منابع مالی لازم امکان پذیر نیست. با توجه به تجربه ناموفق تأمین منابع از خارج برای تأمین مالی طرح های سرمایه گذاری سه منبع داخلی بیشتر وجود ندارد: پس انداز خانوارها، پس انداز بنگاه های اقتصادی و پس انداز عمومی (پس انداز توسط دولت). به دلایل مختلفی چون پایین بودن میانگین درآمد، میل به مصرف بالای اقشار متمول جدید، نگرانی در زمینه امنیت اجتماعی - اقتصادی، ضعف زیربنای نهادی و حقوقی جاقفاده و معتبر و غالب بودن بخش دولتی در اقتصاد، جمع آوری پس انداز خانوارها و بنگاه های خصوصی و هدایت آن به سمت سرمایه گذاری، با مشکلات عدیده ای مواجه بوده است. از این رو اغلب چشم امید سیاستگذاران برای ایجاد و جمع آوری منابع لازم برای سرمایه گذاری به سوی دولت و بنگاه های اقتصادی دولتی متوجه می شده است. از طرف دیگر نیز به دلیل وجود موانعی چون ضعف مدیریت و پایین بودن کارایی، پایین بودن بهره وری عوامل تولید، ثابت نگه داشته شدن قیمت خدمات و کالاهای عرضه شده توسط دولت و بنگاه های دولتی و فشار ناشی از تصمیم گیری های غیراقتصادی که مستلزم هزینه های قابل ملاحظه ای هستند، امکان تأمین منابع مالی از طریق سود و ارزش افزوده ناشی از تولید برای واحدهای دولتی، فراهم نشده است. از این رو دولت و بنگاه های دولتی اغلب برای تأمین

منبع به استقراض از نظام بانکی اقدام می کرده اند. ایجاد کسر بودجه و تأمین آن از طریق نظام بانکی نیز به معنای تورم و افزایش سطح عمومی قیمتهاست. به این ترتیب رشد سریعتر در اقتصاد بیمار ایران مستلزم تورم بیشتر بوده است و انتخاب میان این دو، دغدغه هر ساله سیاستگذاران ما! لایحه بودجه سال ۷۵ نیز مجلس را در مقابل دو انتخاب اساسی قرار داده است. نخستین انتخاب مربوط به به هدف کوتاه مدت اقتصاد ماست: رشد سریعتر یا ثبات بیشتر. سیاستگذاران باید میان نرخ رشد ۷ یا ۸ درصدی و نرخ تورمی ۴۰ و ۵۰ درصدی و نرخ رشدی یک یا ۲ درصدی و تورمی ۱۰ تا ۱۵ درصدی یکی را برگزینند. دو بین انتخاب که به انتخاب اول باز می گردد مربوط به سیاستهای اقتصادی ما می شود. طی سالهای گذشته اغلب ما سیاستهایی دوگانه داشته ایم: به این معنا که از نظر سیاستهای پولی حتی المقدور اهداف ضد تورمی را دنبال کرده ایم (سیاستهای انقباضی پولی). اما از نظر سیاستهای مالی، به دنبال اهداف ضد رکودی بوده ایم (سیاستهای انبساطی). ادامه این



نوربخش: سیاستهای پولی تا چه اندازه، می تواند موثر واقع شود؟

وضعیت به ویژه در شرایطی که بانک مرکزی قادر به ایستادگی در مقابل فشارهای وارد از جانب وزارتخانه های مختلف برای تأمین کمبو نقدینگی نیست، حاصلی جز تشدید تورم ندارد. راه دیگر این است که در کوتاه مدت هم سیاستهای پولی (سیاستهای تنظیم کننده حجم در گردش پول) و هم سیاستهای مالی (سیاستهای مربوط به درآمد و هزینه های دولت) جهت گیری ضد تورمی داشته باشند. در بخش عمومی این جهت گیری مغنایی جز انضباط اقتصادی ندارد. افزایش کارایی، کاهش هزینه ها تا حد ممکن، حذف هزینه های بدون بازده و عمل در محدوده امکانات و مقدرات کشوری در حال توسعه پیامدهای منطقی انتخاب این خط مشی است.

حال سؤال این است که عزم ملی ما کدام جهت را برای اقتصاد ایران می پسندد؟ هیچ یک از دو انتخاب موجود بدون هزینه نیست. جمع بندی تجربه سایر جوامع نشان می دهد که بدون یک اقتصاد کلان پایتات، تأمین رشد پایدار و مداوم اقتصادی نیز ناممکن است. به علاوه به دلایل مختلف اجتماعی و روانی سیاست معطوف به ثبات بیشتر، مصلحت بینانه تر به نظر می رسد. اما جا برای گفتگوهای کارشناسی بیشتر در این زمینه نباید تنگ شود!



آنکه درباره نیما، مقالات و کتابهای زیادی نوشته شده، اما هنوز آثار وی، چنانکه انتظار می رود به متون درسی راه پیدا نکرده است. شایسته است که در متون درسی دانش آموزان، آثاری از نیما به نسل جوان معرفی شود تا از این طریق، پیوند این نسل با مفاخر فرهنگی دوران معاصر، برقرار شود. به همین ترتیب، در رسانه های کشور - خاصه رادیو و تلویزیون - به نیما و آثار وی توجه درخور نمی شود. آثار میراث فرهنگی، منحصرأ در آثار قدما خلاصه نمی شود، بلکه لازمه آن پاسداری از شخصیت های فرهنگی کشور - چه در گذشته دور و چه دوران معاصر - است.

یادمان

۳۶ سال است که مرغ آمین نمی خواند

۳۶ سال از مرگ نیمایوشیج، بنیانگذار شعر نو، گذشت. درباره قدر و منزلت نیما و تحولی که در شعر فارسی ایجاد کرد، سخن بسیار گفته شده است. اخیراً نیز یونسکو، نیما را به عنوان شخصیت فرهنگی جهانی اعلام کرده است. با وجود

شعر استقبال

با که گویم از این سیه رویی نیست در جان ما از او بویی اوست پا در رکاب امر خدا چه برآید ز دست کوتاه ما؟ این حجابی که پیش دیده ماست معنی غیبت و ظهور اینجاست او ز خورشید آشکارتر است چشم ما در ظهور بی اثر است آنکه در انتظار اوست جهان کی ز چشم حقیقت است نهان گر چو شبکور مانده ایم به خواب چه فشانند به چشم ما مهتاب

شعر تازه ای از: علی موسوی گرمارودی، شاعر معاصر

گیرم او پرده را زند یکسو

گیرم او پرده را زند یک سو دیده دیدن رخ او کو؟ مهر را جای در گریبان نیست مور همخانه سلیمان نیست همه جا پر ز عطر آن گلپوست عشق در انتظار دیدن اوست



بوروکراسی بررسی حیات نشر کشور را تهدید می‌کند



بررسی کتاب و مسئله صدور مجوز انتشار کتاب از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در مرکز بجنای سیاسی - فرهنگی چند سال گذشته قرار داشته است. طی چند ماه گذشته بعد تازه‌ای از این مسئله خود را نشان داده است که می‌توان، تعبیر بوروکراسی صدور مجوز را برای آن به کار برد.

بوروکراسی صدور مجوز کتاب، نه تنها زمان نشر را افزایش می‌دهد؛ بلکه قدرت هر گونه برنامه‌ریزی و تفکر درازمدت را، که لازمه فعالیت فرهنگی است، از ناشر سلب

می‌کند. ناشر، حتی پس از انتشار یک چاپ از کتاب خود نیز، نمی‌تواند روی چاپ‌های بعدی مطمئن باشد. مکانیزم جدید بررسی کتاب حتی چاپ‌های بعدی کتاب را هم در بر می‌گیرد. با این اوصاف کل تشکیلات معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به جای آنکه دارای نقش هدایت و برنامه‌ریزی باشد، به تدریج به یک ماشین بزرگ صدور مجوز تبدیل خواهد شد؛ که پیش از همه به ضرر این وزارتخانه است.

دومین گروهی که در این شرایط در عمل، استقلال خود را از دست خواهند داد؛ مؤلفان و مترجمان خواهند بود. و در نهایت ناشران و کل پیکر نشر کشور، تاوان آفات این

تلویزیون، به جنبه‌های عمومی برنامه توجه بیشتر از حد نشان دهد.

طبیعی است برنامه‌سازی در چنین شرایطی که مخاطب روشنی برای آن قابل تصور نیست، با چه دشواریهایی روبروست. تفاوت نیاز مخاطبان باعث می‌شود تا عملاً گروه اجتماعی معینی که به رسانه‌ها به‌ویژه مطبوعات دسترسی دارند، خواسته‌های خود را بر دیگر سلیقه‌ها اعمال کنند.

به نظر می‌رسد شرط لازم برای حل این مشکل برنامه‌سازی، تفکیک مخاطبان و تهیه برنامه‌های متناسب برای آنها و اختصاص شبکه‌های معین برای آنها است. لزومی ندارد که مسائل استانی در سطح ملی برای همه مخاطبان مطرح می‌شود و نیز لزومی ندارد که به دلیل مخاطبان در سطح ملی، از طرح مسائل استانی و محلی پرهیز کنیم. گسترش شبکه‌های تلویزیونی ابزار لازم را برای تحقق این سیاست فراهم می‌کند و دست کم از این نقطه نظر می‌توان آن را مثبت ارزیابی کرد. متأسفانه تاکنون در نقد سیاست‌های گسترش تلویزیون در مطبوعات، به این مسئله توجه اندکی نشان داده شده است.

سیاست تهیه برنامه متناسب با سلیقه‌های خاص، تنها از طریق ایجاد فضای مناسب یعنی تأسیس شبکه‌های متعدد امکان‌پذیر است. اما برای آنکه سیاست، در عمل موفق از کار درآید توجه به چند نکته ضروری است:

۱ - سیاست‌گذاری دقیق و روشن برای هر شبکه؛ ما نیز در اینجا با مخالفان هم عقیده‌ایم که شبکه‌ها، سیاست روشن و حساب‌شده‌ای را دنبال نمی‌کنند. در عمل، شبکه‌های تازه تأسیس شده نیز دچار تب‌انگیزی می‌شوند. در اینجا چند نکته نیز قابل یادآوری است که صدا و سیما، جز در کلیات، سیاست‌های راهبردی معینی را دنبال نمی‌کنند. در ذیل این سیاست‌گذاری، تعریف دقیق مخاطبان هر شبکه، ویژگی‌های آنها، سلیقه‌هایشان و نظایر اینها قرار می‌گیرد. شکل‌های مناسب تولید برنامه برای مخاطبان و سوزهای مورد نیاز و بسیاری دیگر که معمولاً مانع از توجه به آنها می‌شود، عناصر سیاست‌گذاری شبکه محسوب می‌شوند.

۲ - حفظ خصوصیت هر شبکه نیز از نکاتی است که باید بیش از آنچه که اکنون رعایت می‌شود، مورد توجه قرار گیرد. اگر بناست شبکه پنج به مسائل استانی توجه کند، خصوصیت آن صرف نظر از موضوعات، باید در فرم نیز لحاظ شود. ریتیم شبکه ۵ و سیاست تولید نمایش، و بخش‌های مختلف حتی مستندسازی باید متناسب با خصوصیت این شبکه انتخاب شود.

۳ - تجربه رادیو پیام نشان می‌دهد که عملاً این رادیو بعد از مدتی مخاطبان خاص خود را پیدا نکرد و مخاطبان را عملاً گروه‌های سنی و اجتماعی علاقه‌مند به موسیقی تشکیل دادند. به عبارت دیگر، مخاطبانی که بنا بود از طریق رادیو پیام خبرهای ترفیقی را دریافت کنند، در مجموع مخاطبان شمار اندکی را تشکیل می‌دهند. سیاست‌گذاران شبکه می‌باید مراقب باشند تا چنین تغییر مخاطبانی برای آنها روی ندهد. در هر حال، سیاست گسترش شبکه‌های تلویزیونی، اقدام مثبتی است که می‌باید در زمینه‌های لازم برای موفقیت و کارایی آن توجه داشت. برخی دشواریها که در مراحل آغازین اجرای این سیاست پیش می‌آید، نافی اصل آن نیست، بلکه دقت بیشتر به سوی زمینه‌های لازم را می‌طلبد! محسن گودرزی



بوروکراسی را پس خواهند داد.

به هر حال، صرف نظر از جنبه‌های سیاسی بوروکراسی صدور مجوز، مجموعه ناشران و تولیدکنندگان فرهنگی کشور را در برابر مشکلات عظیمی قرار داده که ادامه حیات حرفه‌ای آنان را تهدید می‌کند. تجربه مثبت رشد و توسعه مطبوعات در چند سال گذشته، ثابت می‌کند که کتاب نیز راهی جز قانونمند کردن فعالیت‌ها در پیش نخواهد داشت.

با تکیه بر تجربه قانون مطبوعات، باید قانون نشر کتاب را تدوین کرد.

در سایه خبر

گفته‌ها و شنیده‌های انتخاباتی خبر نیست، بلکه سایه خبر است. سایه خبر ممکن است پس از گذشت چند روز یا چند هفته، پررنگ شود و به خبر تبدیل گردد. و نیز ممکن است کم‌رنگ و محو گردد. سایه خبر و یا حتی شایعه در جوامعی شکل می‌گیرد که سازمان‌دهی سیاسی شفاف ندارند. همانگونه که انسان برای ادامه حیات مادی خود، نیازمند اکسیژن و غذا است. در حیات سیاسی و اجتماعی نیز، نیازمند خبر است.

در ستون در سایه خبر

مطالبی درج می‌شود که همکاران بهمن یا دوستان بهمن در گوشه و کنار شنیده‌اند. بدیهی است که بهمن خود را موظف می‌داند هر گونه توضیح یا نقد و یا تکراری را در همین ستون درج نماید.

۱ - لیست ۳۰ نفره روحانیت مبارز هنوز بسته نشده است. گفته می‌شود ۷ نفر از نمایندگان فعلی تهران در لیست نخواهند بود.

آقایان عباسعلی عمید زنجانی و سیدعلی غیوری نجف‌آبادی کاندیدا نیستند و آقایان:

- ۱ - محمدحاشم رهبری
- ۲ - محمود صابر همیشگی
- ۳ - سعید رجایی خراسانی
- ۴ - محمدکاظم سفیان
- ۵ - منیره نوبخت؛ نامشان در لیست نیامده است.

دیدگاه جامعه روحانیت مبارز درباره دیگران

تازه‌ترین تحلیلی که درباره جریان‌های مختلف سیاسی کشور ارائه شده، تحلیل جامعه روحانیت مبارز است. البته طی ماه‌های اخیر شاهد طرح دیدگاه‌های مختلفی در زمینه جناح‌بندی جریان‌های فکری - سیاسی که در چهارچوب نظام اسلامی فعالیت می‌کنند، بوده‌ایم. ارائه این گونه تحلیل‌ها را بایستی نوعی آماده کردن مقدماتی نظری، برای طراحی تاکتیکیها و شعارهای انتخاباتی دانست و به همین دلیل افزایش آنها در این مرحله ضروری می‌شود. در دیدگاهی که به تازگی توسط روحانیت مبارز طرح شده است نظر این جامعه راجع به سایر جریانها سیاسی تشریح شده است. مطابق این دیدگاه جناحهای موجود و

فعال در انتخابات به چهار جریان مختلف تقسیم شده‌اند:

۱ - جریان در خط ولایت ۲ - جریان لیبرالهای جدید تا تکنوکراتها ۳ - جریان لیبرالهای قدیمی ۴ - جریان چپ

بر اساس تحلیل جامعه روحانیت مبارز، به غیر از خود این جامعه و متحدانش، در جریان انتخابات، سایر جریان‌های فعال را بایستی خارج از خط ولایت دانست. بر مبنای تحلیل جامعه روحانیت مبارز، سایر جریانها به حاکمیت دین اعتقاد نداشته و به حاکمیت تئوریهای غربی گرایش دارند. به ولایت مطلقه فقیه و به حضور مؤثر روحانیت در حکومت اعتقاد ندارند و به ارزشها و اصول ثابت نیز معتقد نیستند.

تلخ شیرین

ب - قطبی

آیندگان!

در مجلس چهارم ۷۵ درصد نمایندگان تغییر کرده‌اند. این کار اگر دوباره تکرار شود، نمایندگان جدید مجدداً مجبورند تجربه چهار ساله را کسب کنند و این به ضرر آیندگان است. (دکتر مرضیه وحیددستجردی نماینده مردم تهران در مجلس در گفت و گو با خبرنگاری جمهوری اسلامی) - روزنامه ابرار ۷۴/۱۰/۴ - یک راه حلش هم این است که نمایندگان دائم‌العمر انتخاب شوند، تا آیندگان اصلاً و ابداً ضرر نبینند!

کودکی!

- جناب دکتر منافی، اخیراً کودکان تهرانی تظاهرات به راه انداخته‌اند و خواستار مبارزه جدی با آلودگی هوا شده‌اند. - کاری به کارشان نداشته باشید. بچه‌اند، بیخودی در کار ما دخالت می‌کنند!

حکایت ما

نیم ساعت دیگر!

برایی نخستین گردهمایی میان کشوری دانشجویان و آموزنگان زبان پارسی، مایه خوشحالی بسیار شد. خبرنگاران را به آنجا فرستادیم تا از چند و چون گردهمایی بپرسد و ما بنویسیم و خوانندگان بدانند و نیز کسانی را به گفتگو خواندیم، اما نشد. خبرنگار ما به نزد هر گرداننده‌ای رفت او گفت: نیم ساعت دیگر. خبرنگار ما ۱۲ نیم‌ساعت نشست و ایستاد اما آن نیم ساعت که باید، نیامد.

به ناگزیر، از شنیدن سخنان گردانندگان گردهمایی که خود از دانیان فن پیام‌رسانی هستند دور ماندیم. به خود گفتیم: کاش بازرسین روز جواب هم به دوری همین نیم ساعت بود که مسئولین محترم مجمع بین‌المللی اساتید زبان فارسی ابراز داشتند.

دانایان فراوانند

چاره‌ای نبود جز اینکه از مدیر مسئول نشریه که مسئولیت مندرجات نشریه را بر عهده دارد، کسب تکلیف کنیم.

خبرهای خوبی بود. اما در یک جا رئیس یک سازمان، در یک جا یک مدیر کل و در جایی دیگر یک وزیر، تقاضا کرده بود که این اخبار را ننویسید. هرچه خبرها را بالا و پایین کردیم هیچ صبنه‌ای از زیادت فساد و جنجال در انتشار آن جستم و یقین کردیم که خبر تا زیر خط قرمز است. جناب مدیرمسئول که از فرهیختگان است ما را قوت قلب داد و تعلیم کرد که از چاپ بپرهیزید و بدانید که دانایی یک نشریه فقط به اخباری نیست که چاپ می‌کند بلکه گاه به چیزهایی است که می‌داند اما چاپ نمی‌کند.

چون نیک در نشریات روی میز ایشان نگاه کردیم؛ دیدیم که دانایان فراوانند.

گزارش

دوگانگی رشد و ثبات غیر واقعی است

دکتر عظیمی: برای سرمایه گذاری منابع ملی ما کافی است

کم کم می توان از بکل گیری دو رویکرد مختلف در تحلیل مسایل اقتصادی ایران سخن گفت. در رویکرد اول، مسایل اقتصاد ایران با تکیه بر ابزارهای پولی (حجم پول، نرخ سود بانکی و ...) یا ابزارهای مالی (حجم و ترکیب درآمد و هزینه های دولت) تجزیه و تحلیل می شوند و در نتیجه راه حل های پیشنهادی برای آنها نیز در چهارچوب سیاست های پولی و مالی جستجو می گردد.

اما در رویکرد دوم ریشه مشکلات اقتصادی کشور در ضعف نهادها و ساختارها دیده شده و استفاده از ابزارهای سیاست گذاری را بدون بستر مناسب نهادی - ساختاری غیرکارآمد و بی اثر ارزیابی می شود.

به گمان گروهی از صاحب نظران، اقتصاد ایران و سیاست گزاران آن بر سر یک دو راهی قرار دارند: رشد سریع تر یا ثبات بیشتر. اما دکتر عظیمی که از طرفداران رویکرد دوم است به وجود چنین دوگانگی در اقتصاد ایران اعتقاد ندارد. دیدگاه ایشان را در این زمینه با هم مرور می کنیم:

- برخی از صاحب نظران معتقدند که نوعی دوگانگی و در واقع انتخاب در مقابل اقتصاد ایران قرار دارد. انتخاب میان رشد سریع تر یا ثبات بیشتر. واقعیت این است که به دلیل محدودیت منابع مالی در بخش خانوارها و بنگاه های خصوصی، تامین منابع مالی لازم برای افزایش حجم سرمایه های کشور و در نتیجه رشد سریع تر، عمدتاً بر عهده دولت قرار می گیرد. دولت نیز ناگزیر از استقراض از بانک مرکزی است. این استقراض نیز نتیجه ای جز تورم ندارد. آیا اساساً به چنین دوگانگی قائلید؟

● اگر به آمار و اطلاعات موجود در زمینه اقتصاد ایران توجه کنیم، احتمالاً نخواهیم توانست این چنین دوگانگی را با این قطعیت مطرح کنیم. آخرین اطلاعات موجود نشان می دهد که حدود ۲۲ درصد از تولید ملی کشور (به قیمت جاری) و ۱۶ درصد از تولید ملی (به قیمت ثابت)، طی سالهای ۷۳-۱۳۷۱، سرمایه گذاری شده است. در عین حال، حدود ۵۵ درصد این سرمایه گذاری توسط دولت و ۴۵ درصد آن، توسط بخش غیردولتی صورت گرفته است. اطلاع قابل توجه دیگر اینکه، در سال ۷۳، بیشتر از ۳۸ هزار میلیارد ریال توسط بانکها در امور اقتصادی کشور به صورت وام، اعتبار و سرمایه گذاری، هزینه شده و از این مقدار، بیشتر از ۱۲ هزار میلیارد ریال توسط بانکهای تخصصی وارد بازار شده و یا توسط سایر بانکها سرمایه گذاری شده است و این وجوه اساساً از سپرده های مردم در بانکها تغذیه گردیده است.

در همین زمینه، می توان به بررسی تصویر الگوی توزیع درآمد در جامعه پرداخت و امکان سرمایه گذاری در این تصویر را نیز ملاحظه کرد. الگوی توزیع درآمد در جامعه ما بسیار نامتعادل است. البته باید توجه داشت که به صورت

چند نکته آماری

- ۱۰ درصد جمعیت، بیش از ۳۷ درصد درآمد کشور را در اختیار دارند.
- بر اساس میزان تولید ناخالص داخلی، سهم هر خانوار ایرانی ۱۲۵ هزار تومان در ماه است. در حالی که اطلاعات نشان می دهد بیش از نیمی از جمعیت کشور، کمتر از این میزان درآمد دارند.
- در سال ۱۳۷۳، بیشتر از ۳۸ هزار میلیارد ریال توسط بانکها در امور اقتصادی کشور هزینه شده است که این وجوه، اساساً از سپرده های مردم در بانکها، تغذیه گردیده است که نشان دهنده وجود منابع کافی داخلی برای سرمایه گذاری است.
- از ۳۷ تا ۲۸ درصد درآمد ملی که در دست ۱۰ درصد جمعیت است، حداقل ۲۰ درصد آن قابل سرمایه گذاری است. در حالی که کل بخش خصوصی، تنها ۷/۲ درصد درآمد ملی را سرمایه گذاری می کند.

- یعنی به نظر شما می توانیم از منابع خانوارها برای سرمایه گذاری استفاده کنیم؟

● مسلماً می توانیم. البته مشخص است که این پاسخ مثبت به این معنی نیست که اکثر خانوارها می توانند سرمایه گذاری کنند. بخش مهمی از خانوارهای ما، درآمد لازم برای پس انداز و مشارکت در سرمایه گذاری ملی را ندارند. ولی این وضعیت، ویژه ایران نیست و در اکثر کشورها همین وضعیت وجود دارد.

البته می دانیم که در جامعه ایران به دلایل مختلف، پس اندازهای راکدی در اکثر خانوارها، به صورت فرش، طلا و امثالهم وجود دارد که برای روز مبادا کنار گذاشته شده اند. در صورت تنظیم بازار سرمایه کشور، وجود اعتماد و غیره، همین منابع می تواند موج اول بسیار قدرتمندی در زمینه سرمایه گذاری ایجاد کند و پس از ایجاد یک موج با درآمدهای حاصله امکان جدید سرمایه گذاری هم فراهم شود.

ولی جدای از این پس اندازهای راکد، چه درصدی از جمعیت ایران می تواند در سرمایه گذاری ملی مشارکت داشته باشد؟ اجازه دهید باز هم چند اطلاع آماری را که حاصل تحقیق و بررسی اینجانب است، مطرح کنم و بدین وسیله به سؤال بالا پاسخ دهم. تولید ناخالص داخلی کشور در سال جاری حدود ۲۰۰ هزار میلیارد ریال تخمین زده می شود.

اگر جمعیت کشور در سال جاری حدود ۶۵ میلیون نفر و اندازه خانوار حدود ۵ نفر باشد، معنی ملموس رقم فوق، این است که

رسمی، اطلاع قابل اعتمادی در مورد الگوی توزیع درآمد کشور در دست نیست، ولی با استفاده از الگوی توزیع می توان برآوردهای تقریبی قابل اتکایی از الگوی توزیع درآمد به دست داد. بر اساس برآوردهای بنده، در حال حاضر ۱۰ درصد جمعیت ثروتمند کشور، نزدیک به ۳۷ تا ۳۸ درصد از کل درآمد جامعه را در اختیار دارند. حال فرض کنید که در یک وضعیت معتدل مصرفی، این ۱۰ درصد از جمعیت به طور متوسط، نزدیک دو برابر متوسط مصرف جامعه، مصرف داشته باشند. این درصد غنی می توانند ۲۰ درصد مصرف جامعه را در اختیار داشته باشند. البته طبیعی است که این مصرف متوسط گروه است و در اقلش بالاتر این ۱۰ درصد ثروتمند، مقادیر مصرف می تواند بسیار بالاتر هم باشد.

سیاستها و

ابزارهای

اقتصادی که در

برنامه ریزی به کار

گرفته شده اند،

ایرادی ندارد.

مسئله ما این

است که ساختارها

قابلیت پذیرش

این ابزارها را

ندارند و به همین

دلیل کارآمد

نیستند.

می دانیم که همیشه مصرف کل جامعه کمتر از درآمد کل است. ضمناً اشاره کردیم که در این جمعیت ۱۰ درصد غنی کشور، حدود ۳۷ تا ۳۸ درصد درآمد متمرکز شده است، پس اگر آنها ۲۰ درصد مصرف جامعه را داشته باشند، بخشی از درآمد کل جامعه که توسط این قشر مصرف می شود، بسیار کمتر و مثلاً ۱۵ درصد خواهد بود. حال اگر این ۱۵ درصد را از ۳۷ تا ۳۸ درصد درآمد کم کنیم، چیزی بین ۲۰ تا ۲۲ درصد باقی می ماند. این درصد، اصولاً امکان تبدیل شدن به سرمایه را دارد و این نسبت کوچکی نیست.

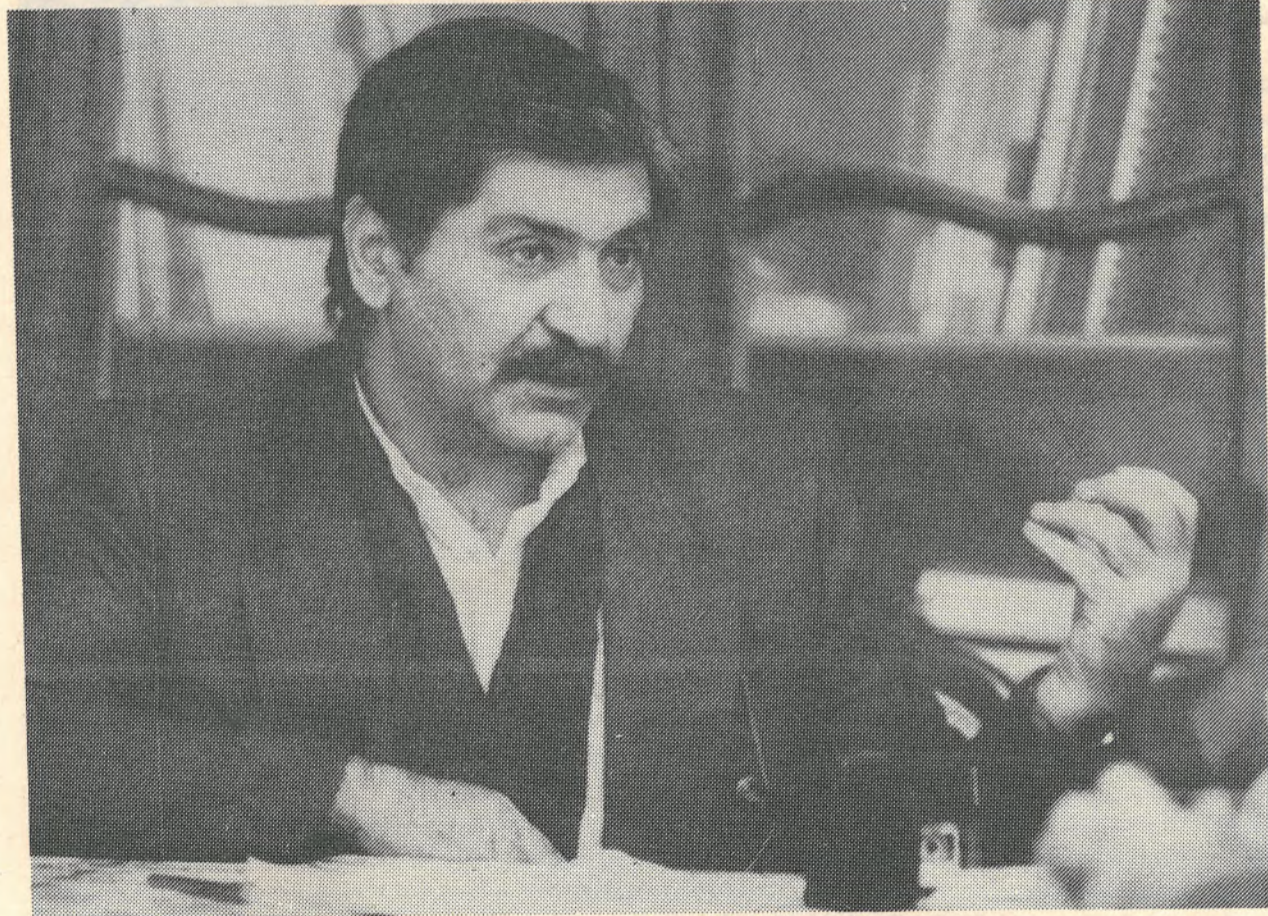
علاوه بر نکات فوق، باید به خاطر داشته باشیم که دولت هم درآمد نفت را در اختیار دارد و این درآمد می تواند ظرفیت قابل توجهی برای سرمایه گذاری فراهم کند.

حال به بحث دوگانگی مطرح شده در سؤال باز می گردیم. آیا واقعاً امکانات سرمایه گذاری در جامعه ما به نسبت درجه توسعه یافتگی کشور محدود است؟ به نظر من چنین نیست. البته دوگانگی و تضاد فوق در صورتی که همان روندهای قبلی را ادامه دهیم، وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر، اگر بپذیریم که همین ریخت و پاشها، همین الگوی مصرف، همین شرایط تخصیص غیربهبینه و منابع و ... ادامه می یابد و اگر بخواهیم با این فرضها برنامه ریزی کنیم، در این صورت طبیعی است که دوگانگی مورد بحث هم پیش خواهد آمد، همانگونه که امروز هم وجود دارد. در حالی که اجبار به تداوم این وضعیت نداریم و اگر رویه ها را عوض کنیم، خواهیم دید که جامعه دارای منابع کافی برای سرمایه گذاری هست.

مشکل اصلی سرمایه گذاری در کشور، دولت سالاری است، یعنی مرزی بین اختیارات فرد و اختیارات حکومت وجود ندارد و اگر هم مرزی باشد، حکومت خود این مرز را تعیین می کند.

به هر حال، اطلاعات فوق مؤید این نکته است که حتی بدون توجه به پس انداز راکد خانوارها، امکان داریم که این ۴۰ درصد از خانوارها را وارد فرآیند سرمایه گذاری ملی کنیم. مسئله اصلی این است که چه قالبهایی برای مشارکت این جمعیت وسیع در سرمایه گذاری ملی وجود دارد. طبیعتاً یکی از این قالبها، نظام بانکی است، یکی بورس است، دیگری سرمایه گذاری مستقل خصوصی است... این که چه قالبی داشته باشیم، آیا این قالبها، کارآ هستند یا نه، بحث دیگری است. عرض من این است که بخش قابل توجهی از خانوارها دارای پتانسیل تبدیل درآمد به سرمایه گذاری هستند. یعنی حداقل می شود روی ۴۰ درصد جمعیت کشور برای این مشارکت (البته با درجات مختلف) تکیه کرد.

- به عنوان راه حل عملی چه خطوط کلی می توانیم پیش بگیریم که این درآمد را به سرمایه گذاری جذب کنیم. مثلاً آیا با تغییر نرخ بهره و افزایش آن بیش از نرخ تورم، آیا می توان این پول را به بانکها جذب کرد؟



درآمد سرانه کشور در سال جاری حدود ۳۰۰ هزار تومان و لذا درآمد متوسط یک خانوار ایرانی (اگر درآمدها مساوی توزیع شده بودند) معادل ۱/۵ میلیون تومان (حدود ۱۲۵ هزار تومان در ماه) می شد. ضمناً اطلاعات موجود نشان می دهد که حدود

اگر در مدار توسعه باشیم،

سرمایه گذاری ها، عمدتاً آثار

اقتصادی خواهند داشت، اما

اگر در مدار غیر توسعه باشیم،

همان سرمایه گذاری بیشتر

آثار سیاسی به دنبال خواهد

داشت.

۵۰ تا ۶۰ درصد جمعیت کشور، از نظر درآمدی در زیر این خط متوسط یعنی درآمد ماهانه خانوار معادل ۱۲۵ هزار تومان، قرار دارند. به عبارت دیگر حدود ۴۰ درصد خانوارهای کشور درآمدی معادل یا بالاتر از مقدار فوق دارند. روشن است که درآمد این ۴۰ درصد، با هم متفاوت است و همه به یک اندازه از رقم مورد بحث فاصله ندارند. و مثلاً همانگونه که اشاره کردم، ثروتمندترین ۱۰ درصد جمعیت کشور، حدود ۳۷ تا ۳۸ درصد درآمد ملی را در اختیار دارد، یعنی دارای درآمد متوسطی حدود ۳/۷ تا ۳/۸ برابر درآمد متوسط ملی است.

آیا این ابزارها برای تبدیل این درآمد به سرمایه گذاری، کارآمد هستند؟

● مشکلات زیادی بر سر راه تبدیل این ظرفیت بالقوه به سرمایه گذاری وجود دارد. بخشی از این مشکلات، طبیعتاً به نرخ بهره و سود و نظایر آن بر می گردد. ولی واقعاً این بخشی از مشکل است و به نظر من حتی بخش عمده مشکل هم نیست. اما قابل انکار نیست که در حال حاضر این مشکل را داریم که نرخ تورم بیش از نرخ سود بانکی است و این وضعیت، شوق پس انداز و سپرده گذاری را محدود می کند. ولی فراموش نکنید که علیرغم این وضعیت، باز هم حجم زیادی از منابع مالی جامعه جذب نظام بانکی می شود و حجم وسیع وامها، اعتبارات و سرمایه گذاری بانکها بر همین سپرده ها متکی است. لذا ملاحظه می کنید که علیرغم این نرخهای پایین، بهره و سود بانکی برای پس انداز با زهم حجم زیادی از منابع وارد نظام بانکی کشور می شود. البته اگر این نرخ تغییر پیدا کند، یعنی نرخ سود پرداختی به پس انداز افزایش یابد باز هم حجم پس انداز جامعه افزایش خواهد یافت. با این همه به نظر می رسد قسمت عمده مشکل در اینجا نیست. مشکل عمده در نظاماتی است که باید مشوق سرمایه گذاری باشند و این نظامات به دلایل متعدد، در عمل به اندازه کفایت موفق نبوده اند. منظور از نظامات مشوق سرمایه گذاری عبارت است از نظام مالیاتی، نظام بانکی، نظام قضایی، نظام اجتماعی، نظام سیاسی، نظام تأمین اجتماعی، وضعیت امنیت سرمایه و ... به عنوان مثال وقتی به بقیه در صفحه ۱۵

فقط خارجی ها نیستند خودمان هم تردید داریم!

قرار بود، در طول برنامه اول ۲۷/۴ میلیارد دلار سرمایه خارجی به پیگیر اقتصاد ایران تزریق گردد. و قرار است در طول برنامه دوم ۱۰ میلیارد دلار از منابع خارجی صرف سرمایه گذاری گردد. برای استفاده از این منابع، چگونه برنامه ریخته ایم و چگونه عمل کرده ایم؟ شرایط بهره برداری مطلوب از این منابع کدامند؟ مروری خواهیم داشت بر آنچه برایش برنامه ریخته ایم.

استفاده از منابع مالی، تسهیلات و سرمایه گذاری های خارجی در اشکال گوناگون آن، هم در کشورهای در حال توسعه و هم در کشورهای صنعتی امری معمول و متداول است. به ویژه در اقتصادهای در حال بازسازی و توسعه این کار نه تنها با منطق اقتصادی قابل توجیه است، بلکه در مواردی عملاً اجتناب ناپذیر است. آشکار شدن و بروز بحران بدهی ها چه در سطح جهانی (۱۹۸۲) و چه در سطح ملی درسهایی ارزشمندی برای دست اندرکاران دارد، پیام روشن این وقایع این بود که استفاده بدون قید و شرط و بدون انضباط مالی از وام ها و اعتبارات خارجی محکوم به شکست است. برای روشن شدن بیشتر موضوع و برخورد دقیق تر و حساب شده تر با آن در زیر به چند نکته اساسی در مورد استفاده از منابع مالی خارجی اشاره می کنیم.

مطابق اصل هشتماد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دریافت هر گونه وام از طرف دولت بایستی به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. از این رو هم در برنامه پنج ساله اول و هم در برنامه پنج ساله دوم، بخشهایی به این موضوع اختصاص داده شده بود.

در برنامه اول توسعه در چارچوب تبصره ۲۹ قانون برنامه برای مقوله استراتژی جایگزینی واردات، سر جمع ۱۲ میلیارد دلار امکان ایجاد تعهد پیش بینی شده بود و برای مقوله استراتژی توسعه صادرات، ۱۵/۴ میلیارد دلار در قالب بیع متقابل و پیش فروش محصولات در نظر گرفته شده بود.

در خصوص تحقق ۱۲ میلیارد دلار تعهد در جهت اهداف برنامه اول (استفاده از سرمایه خارجی)، ۹ میلیارد می باید به صورت اعتبار میان مدت (۵ ساله) جذب گردد و ۳ میلیارد دلار (برای سدسازی) به صورت بلند مدت (بیش از ۵ سال، معمولاً ۱۵ تا ۲۰ سال). در خصوص تحقق ۱۵/۴ میلیارد دلار تعهد به صورت بیع متقابل در وهله اول، کشور به پرداخت نقدی تعهد نمی گردد، بلکه تنها در صورت لزوم ضمانت نامه صادر می کند. در قانون برنامه پنج ساله اول و قوانین بودجه مربوطه، سالانه طی مدت اجرای برنامه، ذکری از اجازه استفاده از اعتبارات کوتاه مدت، نیامده بود. اما ظاهراً از این اعتبارات در عمل استفاده گردید. در اعتبارات کوتاه مدت که به یوزانس یک ساله نیز موسوم اند بانکهای خارجی بهای خرید، عموماً

کالاهای واسطه ای و مصرفی را پرداخته و پس از یک سال با بهره متعلقه دریافت می کنند. نکته مهم این است که با توجه به سکوت قانون گذار، استفاده گسترده از این نوع اعتبارات به ویژه با توجه به آنکه جمع این اعتبارات به کوتاه مدت با بهره متعلقه افزون بر مصرف ارزی مقرر در برنامه می شده است، چرا صورت گرفته است؟

در قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه، ذیل تبصره ۲۲ بند م به دستگاه های اجرایی ذی ربط اجازه داده شده است که تا سقف ۶/۵ میلیارد دلار

سرمایه گذاری خارجی در مقایسه با گرفتن اعتبار خارجی از نظر فنی قابل توجه تر است.

طرح هایی که در آن از منابع خارجی استفاده می شود

طرح های موضوع بند ن تبصره ۲۲ (تسهیلات بیع متقابل)

۱ - طرح های وزارت نفت: توسعه میدان گازی پارس جنوبی - توسعه لایه گازی دالان، کنگان (میدان سلیمان) - طرح جمع آوری گازهای همراه لایه پنکستان (آماک) - طرح جمع آوری گازهای همراه و تزریق در میدان درود - احداث پالایشگاه مایعات گازی عسلویه - توسعه میدانی نفتی دریایی سروش - توسعه میدانی نفتی دریایی بلال - توسعه میدانی نفتی دریایی سیری (A) - توسعه میدانی نفتی دریایی سیری (E) - احداث کارخانجات گاز و گاز مایع - احداث واحد تصفیه گاز مایع در لاوان - افزایش ظرفیت پالایشگاه شیراز به میزان ۲۰ هزار بشکه در روز

۲ - طرح های وزارت راه و ترابری - توسعه فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) - شبکه کنترل ترافیک هوایی - احداث دو هزار کیلومتر شبکه راه آهن

۳ - طرح های وزارت معادن و فلزات - فولاد خراسان (فاز ۱ - مینی میل) - فولاد آذربایجان - مجتمع تولید روی انگوران - نقلین سبیت و مس سونگون

۴ - طرح وزارت جهاد سازندگی - تامین پودر ماهی از صید فانوس ماهیان دریایی عمان

طرح های موضوع بند ن تبصره ۲۲ (تسهیلات فاینانس)

۱ - طرح های وزارت نیرو - احداث نیروگاه های سیکل ترکیبی - احداث سد کارون (۳) - احداث سد کارون جریانی (۴) - احداث سد کرخه - احداث سد گاوشان

۲ - طرح های وزارت صنایع - تولید ماشینهای الکتریکی سنگین - تولید موتورهای دیزلی سنگین - تولید ماشینهای ابزار سنگین - ریخته گری و آهنگری قطعات سنگین - تولید ماشین آلات تغییر شکل فلزات - اصلاح ریخته گری و آهنگری اراک - کشتی سازی خلیج فارس

۳ - طرح های وزارت کشاورزی - توسعه نیشکر (طرح ۷)

۴ - طرح های وزارت راه و ترابری - بهسازی راه آهن تهران - مشهد

با استفاده از روشهای بیع متقابل و تا سقف ۳/۵ میلیارد دلار از طریق تعهدات فاینانس استفاده نمایند. در بند ه تبصره ۲۲ نیز پیش بینی شده است که سرمایه گذاران خارجی بتوانند با مشارکت طرف ایرانی اقدام به سرمایه گذاری در بخشهای اقتصادی بنمایند. دولت نیز موظف شده است که لویج مربوط به سرمایه گذاری خارجی و ضوابط آن را ظرف سه ماه پس از تصویب قانون برنامه، تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

منظور از روش بیع متقابل، نوعی قرارداد دراز مدت است که بر اساس آن فروشنده یک کارخانه یا ماشین آلات یا تکنولوژی موافقت می کند که بهای

کارخانه، ماشین آلات یا تکنولوژی واگذار شده از طریق خرید محصولات همان ماشین آلات یا کارخانه و .. دریافت نماید. در برخی موارد ممکن است محصول نهایی به جای کالا، خدمت باشد.

در قانون برنامه دوم توسعه اجازه استفاده از تسهیلات بیع متقابل به طرح های وزارت نفت (دوازده مورد)، وزارت راه و ترابری (سه مورد)، وزارت معادن و فلزات (چهار مورد) و وزارت جهاد سازندگی (یک مورد) داده شده است.

تحت عنوان موارد استفاده از تسهیلات فاینانس در قانون برنامه با تمرکز بر روی امور زیربنایی و صنایع سنگین، اجازه استفاده به وزارت نیرو (پنج طرح)، وزارت صنایع (هفت طرح)، وزارت کشاورزی (یک طرح هفت موردی) و وزارت راه و ترابری (یک طرح) داده شده است.

با توجه به نظرات کارشناسان اقتصادی، به نظر می رسد که در زمینه استفاده از منابع مالی خارجی بایستی چند نکته اساسی مورد نظر قرار گیرد که ذیلاً به آنها اشاره می شود:

۱ - به دلیل آنکه نیازهای ارزی کشور در جریان توسعه عمدتاً بلند مدت و میان مدت می باشند و به علاوه به دلیل ابهام های قانونی موجود، استفاده از اعتبارات کوتاه مدت (یوزانس)

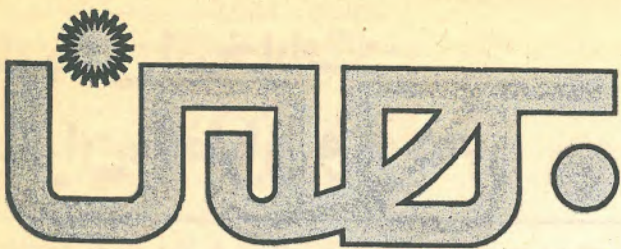
توجیه منطقی و اقتصادی ندارد.

۲ - اگر به هر دلیل سیاستگذاران، استفاده از منابع مالی خارجی را ضروری می دانند، به نظر می رسد سرمایه گذاری مشترک خارجی در مقایسه با اخذ اعتبارات خارجی از نظر فنی قابل توجه تر است. از جمله مزایای این شکل از جذب سرمایه های خارجی می توان به استفاده از دانش فنی تولید، دانش فنی مدیریت، استفاده از بازارهای خارجی برای صادرات، بازپرداخت سود پس از راه اندازی واحد مربوط و به تناسب سود ایجاد شده در واحد مربوطه اشاره کرد.

۳ - همانطور که در قانون برنامه دوم توسعه اشاره شده، ضروری است هرچه زودتر، قانون مربوط به سرمایه گذاری مشترک خارجی به تصویب برسد.

پل بازمانده از دوران صفویه و قلعه پرتقالی ها فرو ریخت

سیل اخیر در استان هرمزگان، بناهای تاریخی حفاظت نشده این استان را، در آستانه ویرانی قرار داده است. قلعه تاریخی پرتقالی ها در جزیره هرمز و پل رودخانه کل، در شمال استان که از بناهای مربوط به دوران صفویه هستند، از جمله آثار در حال تخریب، به شمار می روند. پل تاریخی لاتیدان، مربوط به دوران صفویه است که تا قبل از سیل اخیر، ۳۳ دهانه آن باقی مانده بود. با توجه به نوع بناهای تاریخی بازمانده در این منطقه، توجه بیشتر به مرمت و بازسازی این آثار و توجه بیشتر مسئولین سازمان میراث فرهنگی را می طلبد.



اقتصادی

مدیران ما باید یک راهنمای اقتصادی خوب در اختیار داشته باشند.

آنها باید از نیازها، برنامه ها و اهداف همکاران خود با خبر باشند.

آنها باید به آمار دقیق و مطمئن از آخرین تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور، دسترسی داشته باشند.

آنها باید بتوانند فعالیتهای تولیدی، تجاری و خدماتی خود را به بهترین شکل معرفی کنند.

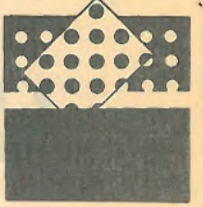
به زودی "اطلاعات اقتصادی بهمن" به عنوان ضمیمه هفتگی، در اختیار مدیران اقتصاد کشور قرار خواهد گرفت. صاحبان صنایع، مدیران مؤسسه های تولیدی و خدماتی، بازرگانان و گردانندگان حرف و صنوف گوناگون می توانند، شرحی از فعالیتها، برنامه ها و نظرات و پیشنهادات خود را برای مشارکت در ارائه "اطلاعات اقتصادی بهمن" به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۶۵-۱۳۱۶۵ ارسال کنند.

معیارهای انتخابات: بازیگران، ناظران و مردم

علیرضا علوی تبار

در یک نظام سیاسی مردمی، این مسئله مهم است که چگونه با کسانی که انتخاب نشده‌اند، برخورد می‌شود. آیا زمینه‌های جذب آنها در نظام مهیا می‌شود یا بر عکس، با اعمال روش‌های انحصارگرایانه، زمینه حذف و حاشیه‌ای شدن آنها را تدارک می‌بینند؟

معمولاً این است که سیاستمداران برای ورزشکاران سخنرانی کنند و آنها را نصیحت کنند که در رقابتهای ورزشی متعلق به چه اخلاقی باشند.



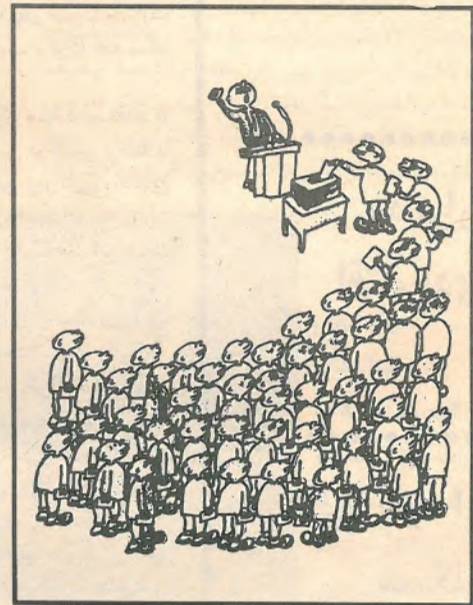
اما شاید بد نباشد در گرماگرم انتخابات، درسهایی هم از آنها بیاموزند. چرا که شاید انتخابات را بتوان از پاره‌های جهات شبیه مسابقات ورزشی دانست.

معیار موفقیت یک رقابت ورزشی از نظر هر یک از رقبا، پیروزی و کسب برتری در این مسابقه است. از نظر داوران، معیار موفقیت میزان رعایت مقررات و قوانین توسط بازیکنان و آرامش و سلامت رفتار تماشاگران است. از نظر تماشاگران، پیروزی تیمی که دوست دارند و حرارت و شوق و تجلی یافتن تمامی قدرت دو تیم در جریان بازی است. یعنی آنها یک مسابقه پرتحرک و با نشاط را معیار بازی موفق می‌دانند. از نظر یک سازمان تربیت بدنی بی‌طرف، معیار موفقیت یک بازی ارضای تماشاگران، تشویق مردم به ورزش، تخلیه انرژی مترکیم در جوانان از مجاری سالم، کمک به ایجاد فضای فعالیت جمعی و همیاری اجتماعی و ... می‌باشد. در واقع برای یک سازمان تربیت بدنی بی‌طرف، پیروزی هیچ یک از دو تیم رقیب مهم نیست، مهم این است که آیا اهدافی که از برگزاری مسابقات ورزشی دنبال می‌شده، برآورده شده است یا خیر؟

در انتخابات نیز معیار موفقیت انتخابات از دیدگاه‌های مختلف فرق می‌کند. از نظر رقبا، پیروزی مهم‌ترین شاخص است. البته از نظر بازیکنانی که افق بلندمدت را می‌بینند، و زیاد هم خود محور نمی‌اندیشند، پیروزی در جریان یک رقابت سالم و قانونی است که ارزشمند محسوب می‌شود نه هر نوع رقابتی! از نظر مسئولان برگزاری انتخابات، آنچه اهمیت دارد، آرامش در حین برگزاری انتخابات، رعایت قوانین و مقررات از طرف همه شرکت‌کنندگان، و بالا رفتن درجه اعتبار انتخابات در نزد مردم جامعه است. اما آیا می‌توان پرسید، معیار موفقیت انتخابات از دیدگاه کل نظام سیاسی - اجتماعی ما چیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید قبلاً مشخص نمود که اساساً هدف از پذیرش نهادی به نام انتخابات در یک نظام چه بوده است؟ گاهی نظام‌های سیاسی بدون اعتقاد به

ضرورت انتخابات، و صرفاً به دلیل فشارهای بین‌المللی و تبلیغاتی به برگزاری انتخابات تن می‌دهند. برای چنین نظام‌هایی، قاعدتاً برگزاری صوری انتخابات کفایت می‌کند و نیاز به تأمین هدف دیگری نیست. گروه دیگری از نظام‌های سیاسی، انتخابات را به صورت همه پرسی‌های تصویبی به کار می‌گیرند؛ به این معنی که گروه‌های مختلف اجتماعی در فرایند تصمیم‌گیری در مورد خط مشی‌ها و مجریان هیچ گونه نقشی ندارند. تنها پس از تصویب یک خط مشی و یا



یک مسئول از جانب هیئت حاکمه، در صحنه حاضر شده و به طور دسته‌جمعی و گسترده از آن حمایت می‌کنند. معمولاً نظام‌های سیاسی که از مشارکت گسترده مردمی در سیاست حمایت کرده، اما وجود رقابت سیاسی (حتی در شکل مسالمت‌آمیز و قانونی را) خوش ندارند، اینگونه از انتخابات بهره می‌گیرند. اما در نظام‌های مبتنی بر حاکمیت مردم و نقش محوری آن در حکومت، معیار موفقیت یک انتخابات تأمین اهداف اساسی است که از آن مورد نظر بوده است. اهداف اساسی مورد نظر از انتخابات در نظام‌های مردمی نهادینه کردن و افزایش دو چیز است: مشارکت سیاسی مردم و رقابت مسالمت‌آمیز سیاسی. در اینگونه نظام‌ها مسئولان

می‌کوشند تا از مجرای انتخابات، اولاً هر چقدر می‌توانند تعداد بیشتری از اقشار مردم و گروه‌های اجتماعی را در انتخاب خط مشی‌ها و مسئولان سیاسی کشور مشارکت دهند و ثانیاً محدوده رقابت مسالمت‌آمیز و قانونی را به نحوی گسترش دهند که همه گروه‌های سازمان یافته و افراد منفرد برای احراز پستهای سیاسی موجود، در درون ساختار سیاسی بتوانند در آن فعال بوده و رقابت کنند.

بنابراین از نظر آنها هر عاملی که موجب افزایش مشارکت و گسترش رقابت در جامعه گردد، در جهت موفقیت یک انتخابات، ارزیابی می‌شود. انتخابات موفقیت‌آمیز، انتخاباتی است که بیشترین میزان مشارکت و فراگیرترین شکل رقابت سیاسی را متجلی سازد.

نکته بسیار مهم برای نظام‌های سیاسی مکتبی بر مردم، این است که چگونه حضور بازماندگان یک رقابت سالم انتخاباتی را در صحنه سیاسی کشور تداوم بخشند. توضیح آن که پس از هر رقابت انتخاباتی، قاعدتاً گروهی در جریان انتخابات شکست می‌خورند و گروهی به پیروزی دست می‌یابند. کسانی که پیروز می‌شوند، با احراز پستهای حکومتی، در قدرت و اعمال آن شریک می‌شوند و حاضرند تا برای حفظ این موقعیت، با مدعیان به رقابت و مواجهه برخیزند. اما کسانی که شکست می‌خورند، از نظر روانی کاملاً آماده هستند تا حساب خود را جدا کرده و از صحنه خارج شوند. حفظ این گروه در صحنه سیاسی کشور است که از اهمیت درجه اول برخوردار بوده و مدیریت سنجیده و رشدیافته‌ای را از طرف پیروشدگان، می‌طلبد. چه در جریان انتخابات چه پس از آن، هر اقدامی که منجر به کاهش انگیزه شرکت‌کنندگان در انتخابات برای تداوم حضور در صحنه سیاسی کشور شود، در واقع با غرض اصلی از برگزاری انتخابات منافات داشته و نافی آن است. اقداماتی چون تحقیر بازندگان، حذف آنان در جریان انتخابات، قلع و قمع طرفداران آنها پس از انتخابات، تصرف انحصاری پستهای اجرایی، ممانعت از دسترسی اقلیت انتخاباتی را در صحنه سیاسی کشور با مشکل و مانع مواجه می‌سازد. و هیچ مشکلی برای یک نظام سیاسی مردمی، مهم‌تر از حذف بخشی از مردم از صحنه سیاست نیست.

صاحبان دیدگاه‌های مختلف معیارهای متفاوتی برای موفقیت انتخابات دارند اما یک نکته مهم این است که این معیارهای غیرقابل جمع نیستند. یعنی می‌توان انتخاباتی داشت که انتظارات مشروع همه را در حدی که یک رقابت اجازه می‌دهد، فراهم سازد. مثلاً نمی‌توان انتظار داشت که همه در یک رقابت برنده شوند. اما می‌توان انتظار یک رقابت سالم و پرنشاط، میان رقبایی با کیفیت بالا و در برگیرنده همه اقشار مردم را داشت.

آیا رشد و توانایی کافی برای برگزاری چنین انتخاباتی در ما پدید آمده است؟ آینده نشان خواهد داد.

ثانیاً هواداران رقبا را با زدن برجسب از نظر موقعیت شغلی و گزینشی در فشار قرار دهند. نتیجه این کار هر چه باشد در جهت افزایش مشارکت و رقابت مسالمت‌آمیز نیست.

آفت دیگری که کارآمدی انتخابات را کاهش می‌دهد، طرح سخنگوهای خود ساخته برای جریانها و گروه‌های سیاسی بالقوه و بالفعل است. طبیعی است که در شرایط اوج‌گیری رقابت، فرصت‌طلبان می‌کوشند تا حداکثر بهره‌برداری را از شرایط بنمایند. به همین دلیل ممکن است در فرصتهای پیش آمده خود را به عنوان سخنگوی یک جریان موجود، یا یک جریان در حال شکل‌گیری معرفی نمایند. در این حالت اگر این افراد دارای سوابق، عملکرد و اندیشه‌های روشنی نبوده و احیاناً ابهام‌پیرامون آنها زیاد باشد، ممکن است عکس‌العمل مردم عادی و حتی روشنفکران این باشد که فعلاً از حضور فعال در صحنه خودداری کرده و به انتظار روشن‌تر شدن وضعیت و رفع ابهامها بنشینند. به علاوه این کار می‌تواند پیدایش جریانهای جدید، در عرصه سیاست و در نتیجه، افزایش رقابتهای مسالمت‌آمیز را به تأخیر بیندازد.

به هر حال مصالح بلندمدت انقلاب و نظام اسلامی حکم می‌کند که همه جریانهای کارآمد، انتخابات را پاس بدارند.

نهادهای انتخاباتی و انتظارات ما

نهادهای مختلف جامعه هر کدام با هدف و منظور خاصی پدید می‌آیند. البته نه به این معنا که لزوماً جمعی از عقلای قوم می‌نشینند و در مورد پیدایش یک نهاد تصمیم می‌گیرند، بلکه به این معنا که در چهارچوب زندگی جمعی و در نتیجه روابط میان بخشهای مختلف جامعه نیازها و ضرورت‌هایی شکل می‌گیرد که بایستی به آنها پاسخ گفت و آنها را برآورد.

پیدایش نهاد انتخابات از نظر تاریخی با پذیرش ضرورت حاکمیت مردم صورت پذیرفت. نهاد انتخابات با این انگیزه پدید آمد که در خدمت تأمین دو هدف اصلی حکومت‌های مردمی قرار گیرد. این دو هدف عبارتند از: مشارکت و رقابت. نخستین وظیفه انتخابات، افزایش مشارکت عمومی در فرایند انتخابات رهبران و گزینش خط مشی‌های سیاسی است. و وظیفه دوم آن فراگیرتر کردن رقابت معنی دار و مسالمت‌آمیز و قانونی میان افراد و گروه‌های سازمان‌یافته برای احراز مقامهای حکومتی در درون ساختار سیاسی است. موفقیت و کارآمدی هر انتخاباتی را باید در میزان دست‌یابی به این دو هدف ارزیابی کرد. به بیان دیگر هر شیوه و روشی که باعث شود میزان مشارکت و رقابت در جریان یک انتخابات کاهش یابد به عنوان مختل کننده کارآمدی انتخابات، بایستی طرد و نفی گردد. البته روشن است که هم مشارکت و هم رقابت، در چهارچوب قانون اساسی مورد نظر است.

برای پاسداری از کارآمدی انتخابات باید با عوامل مختل

یادداشت‌های یک خبرنگار مجلس

نوشته‌های این ستون، خاطره‌نویسی نیستند. اگر واژه درستی باشد، "شبه خاطرات" مستندی هستند که از زاویه نگاه یک خبرنگار پارلمانی به مجلس و مسائل آن نگاشته شده است. مجموعه این نوشته‌ها، اگر به خواننده این فرصت را بدهد که از زاویه جدیدی به مجلس که منتخب اوست، نگاهی بیندازد، شاید مفید فایده باشد.

بابک داد

فرصت طلایی نطق

دوستان و هفتاد نماینده، اگر فرصتی دست دهد، استقبال می‌کنند تا به ایراد نطق پیش از دستور بپردازند. فرصت نطق هر نماینده ۱۰ دقیقه است و در هر جلسه علنی تنها ۳ یا ۴ نماینده می‌توانند به ایراد نطق بپردازند. پس بیره نیست اگر فرصت نطق را یک فرصت طلایی بدانیم که زود به زود نصیب نمایندگان نمی‌شود.

این نوشته‌ها را یک روز از روی تابلو اعلانات مجلس (داخل راهرو پارلمان) عیناً نسخه‌برداری کردم. کلماتی که نمایندگان برای گرفتن نوبت نطق بر روی آن کاغذ به کار برده بودند، از هر سخنی گویاتر است.

- با سلام و اجازه! امیدوارم اجازه فرمایید روز یکشنبه ... پیش از دستور صحبت کنم. امضای نماینده ...

- برادر بزرگوارم! انصاف نصف دین است! لطفاً نوبت را رعایت فرمایید. امضای نماینده ...

- حقیر سراپا تقصیر! با حفظ سمت، ارادتمند نطق پیش از دستور یکشنبه ... امضای ...

- نوبت این حقیر می‌باشد. خداوند کسانی را که نوبت را رعایت می‌کنند حفظ کند. امضای ...

- دو شب در مجلس بیتوته کرده‌ام، تا نطق کنم! آقایان لطفاً! ...

بدون هیچ توضیحی چند نمونه از نطق‌های نمایندگان را مرور می‌کنیم.

نمونه اول:
... امروز لایه آزون زمین به خاطر استفاده زیاد از کارخانه‌های صنعتی به شدت آسیب دیده و گرما بیشتر به زمین می‌رسد و یخهای اقیانوس منجمد شمالی و قطبین در حال ذوب شدن است و حتماً بخشی از خاک زمین را تحت پوشش قرار خواهد داد.

نمونه دوم:
- آقای کلینتون! که می‌خواهی سلطه نوین جهانی را دنبال کنی، مسلماً با شکست روبرو خواهی شد.
- آقای پطروس غالی! آبروی سازمان ملل را حفظ کن!
آبروی سازمان ملل را بر باد نده!
- پیام من به دو ملت گرامی آذربایجان و ارمنستان این است که ...
- سختم با سازمان ملل این است که ...
- پیشنهادم به سازمان ملل این است که ...!

۷۱/۱۰/۱۶ - خانم همایون مقدم نماینده تبریز

مخوف‌ترین ویلاهای دنیا و فراریان ایران

تعداد ویلاهای مخوف و بسیار گران قیمت سواحل جنوبی اسپانیا، روز به روز در حال افزایش است. این ویلاها که در منطقه ماریبای اسپانیا قرار دارد مرکز اصلی تجارت غیر رسمی و گاه قاچاق اسلحه و تجهیزات ممنوعه الکترونیکی و اتمی دنیا محسوب می‌شود. معروف‌ترین قصر این ناحیه، قصر فهد است. عدنان قاشوقی، دلال معروف اسلحه که در جریان ایران - کنترا دخالت داشته است نیز در یکی از این ویلاها بر امپراطوری قاچاق اسلحه خود فرمانروایی می‌کند، ثروتمندان همه کشورهای خاورمیانه و برخی از فراریان ایرانی در این منطقه حضور دارند. اسپانیا پس از فروشندگان اسلحه نخستین کشوری است که از فعال بودن این منطقه تقریبی - تجاری سود می‌برد.

سازمان ملل از حساب عراق چک کشید

سازمان ملل متحد، دستور پرداخت ۳۰۷ هزار دلار در وجه وزارت دارایی رژیم صهیونیستی را صادر کرد. طبق دستور این مبلغ از حساب‌های ذخیره عراق در آمریکا برداشت شده و به عنوان غرامت ۳۹ موشک پرتاب شده از بغداد به تل‌آویو، به رژیم صهیونیستی داده می‌شود.

توسعه و ارتباطات

ضرورت اجتناب ناپذیر تر توسعه ارتباطات همه باید به شبکه وارد شوند

اندیشمندی گفته است: اطلاعات قدرت است. در دنیای آشفته امروزی، جمع آوری و فهرست کردن تمام اطلاعات موجود، برای روزی که به آن احتیاج خواهید داشت، غیرممکن است. اصل قضیه این است که شما روشی پیدا کنید تا در زمان خاص به راحتی به اطلاعات مورد نیازتان، دسترسی داشته باشید.

شبکه را می توان به عنوان یک نهاد غیررسمی از اشخاصی که محیطی را برای تبادل آزاد اطلاعات ایجاد می کنند، تعریف کرد. شبکه سازی مهارت مهمی است که اگر خوب هدایت شود، ضمانت می کند تا هیچ فرصتی از بین نرود، روشهای متعددی برای این امر وجود دارد، اما مفهوم اساسی تمام روشها این است که شما یک شبکه ارتباطی می خواهید و آن را متناسب با نیازهایتان ایجاد می کنید. شما احتمالاً هرگز درباره شبکه سازی فکر نکرده اید. اما تقریباً هر عکس العمل شخصی شما قسمتی از فرایند شبکه سازی است. به عنوان مثال، هر وقت گفتگویی را آغاز و یا اطلاعاتی را با همکاران تبادل می کنید و یا به کسی در انجام کاری کمک می کنید، در واقع در یک فرایند غیر رسمی شبکه سازی شرکت کرده اید. این فرایند غیر رسمی را به ابزاری مفید و حقیقی تبدیل کنید و قدمهای اصولی تری بردارید.

برای توسعه یک شبکه شخصی موفق، توصیه می شود یک فرایند سه مرحله ای را دنبال کنید:

- * بنیان یک شبکه محکم را پایه گذاری کنید؛
- * شبکه را بارور نمایید؛
- * شبکه را حفظ و نگهداری کنید.

هر شخصی باید روشها و ضابطه های شخصی خود را برای اینکه شبکه، در آینده بطور عمل کند، به کار برد. شما سیستم و روشی را انتخاب کنید که بیشترین استفاده را از آن خواهید کرد. بعضی از افراد یک مجموعه ساختاری و کاملاً قانونمند را می خواهند. در حالی که برخی دیگر، مجموعه ای انعطاف پذیرتر را ترجیح می دهند.

اینکه چگونه شما شبکه آنان را بارور کنید، بستگی به اهداف خاص شما دارد. نیاز به برقراری ارتباط با اشخاص معین، مربوط به هدف شبکه است. اگر شما به فکر پیشرفت و ترقی در یک رشته علمی خاص هستید، افرادی را که در شبکه می آورید، با افرادی که شما در روند تغییر شغل به ارتباط با آنها نیازمند هستید، فرق می کنند. در حالت اول، مریبان، نمونه هایی هستند که تقریباً به اهدافی که شما اشتیاق آن را دارید، رسیده اند. در مورد دوم، شما باید با افراد کلیدی در رشته شغلی مورد نظرتان در ارتباط باشید. همچنان که نیازهای شما تغییر می کند، ترکیب شبکه هم تغییر خواهد کرد. به همین دلیل ضروری است که شما به طور مرتب مجموعه را ارزیابی کنید. ضمناً شبکه به مرور زمان به عنوان یک نیاز رشد خواهد کرد.

بنیان یک شبکه محکم را پایه گذاری کنید

فرایند شبکه سازی خودبخود، اتفاق نخواهد افتاد. بلکه باید به دقت برنامه ریزی شود. یک استراتژی برنامه ریزی شده که خواسته های شما را برای ایجاد یک شبکه شخصی، به طور واضح تعریف کند، بسیار ضروری است.

مهم ترین کار در مرحله برنامه ریزی این است که اهدافی را که نیازهای خاص شما را نشان می دهد و افرادی را که می خواهید در شبکه آنان باشند، مشخص کنید؛ افرادی که در یک حرفه مشخص هستند، اعضای سازمانهای معین و یا افرادی با عقاید و نگرشهای مشابه شما. هر فردی را که ملاقات می کنید، یک عضو ذخیره شبکه است. این ارتباطهای جدید برای امکان اضافه شدن به شبکه باید ارزیابی شود.

استراتژی شما در مرحله برنامه ریزی باید شامل یک جدول زمانی قابل وصول برای رسیدن به اهدافتان باشد، فکر نکنید بدون یک برنامه صحیح می توانید یک شبکه موفق داشته باشید!

ارتباطهای خود را توسعه دهید، بسیار مهم است که خود را وادار کنید تا از افراد غریبه خجالت نکشید. این حالت ممکن است برای هر کسی به وجود آید. راههای زیادی برای مقابله با ترس و خجالت از ملاقات افراد جدید، وجود دارد. ترس، تصویری است که می تواند کنترل شود، تا کمتر مسئله آفرین باشد. به عنوان مثال، می توانید قبل از برقراری



یک شبکه خصوصی اطلاعاتی درست مثل یک شبکه بزرگ اطلاع رسانی عمل می کند. تکنولوژی جدید تقسیم کننده ها و اپراتورهای شبکه های اجتماعی را به درون کامپیوتر انتقال می دهد.

ارتباط با افراد جدید یک نفس عمیق بکشید. این کار باعث خونسردی شما می شود. افرادی که دارای مهارت در ارتباط جمعی هستند، می توانند به افراد مبتدی در این مورد کمک کنند. اما شما نباید برای غلبه بر ترس خود به دیگران تکیه کنید. قبل از اینکه وارد یک جمع شوید، روی موفقیت و قدرت خودتان تمرکز کنید. این امر به شما کمک می کند تا این تصور را داشته باشید که می خواهید دیگران را بپذیرید و مایل به برقراری ارتباط با آنها هستید.

بهترین راه ملاقات افراد جدید و برقراری ارتباط تازه، ملحق شدن به تشکیلاتی متناسب با اهداف شما است. سعی کنید وارد برنامه های خارج از محیط کارتان گردید، به عنوان مثال می توانید به صورت یک برنامه مرتب در جلسات و گردهمایی های علمی - فرهنگی و سیاسی یک انجمن حاضر شوید. از آنجایی که هر شخصی را که ملاقات می کنید، عضو ذخیره ای از شبکه شما خواهد بود، مهم است که قبل از حاضر شدن در جلسات، خودتان را هدف ملاقات حداقلی از افراد قرار دهید.

اگر قبل از برقراری ارتباط ها آمادگی هایی را کسب کنید، این ارتباط، کمتر مضر خواهد بود. به عنوان نمونه، سعی کنید جملاتی را برای شروع صحبت تمرین کنید. گاهی اوقات در شروع صحبت شک دارید، اما وقتی گفتگو را آغاز کنید، متوجه خواهید شد که این امر آنقدرها هم که تصور می کردید، رعب انگیز نیست. مانند هر کار دیگر، تکرار و تمرین، باعث آسانتر شدن این ارتباط می شود.

هرگز نباید یک تصور عصبی از خودتان در ذهن دیگران به جای بگذارید، بلکه برعکس باید نشان دهید که در هر حالتی شاد و راحت هستید، این کار دیگران را هم در برقراری ارتباط با شما راحت می کند.

شبکه را بارور سازی

تهیه فهرستی از اسامی افراد، مهم ترین قسمت کار در

بار، ملاقات کنید. منتظر نمانید تا به کمک آنها نیاز پیدا کنید و بعد با آنها تماس بگیرید. یک تماس تلفنی با مکالمه ای این چنین "آیا مسئله و مشکلی وجود ندارد؟"..... کافی است و به سادگی نشان می دهد که شما به ادامه ارتباط با افراد علاقه مند هستید. نیازی به مکالمه های طولانی نیست. اما شما باید در ارتباطهای خود نشان دهید که در هر حال آمادگی کمک کردن به افراد را دارید. اگر شما تصویری بزرگ منشا نه از خودتان در ذهن اعضای شبکه به جای بگذارید، آنها بیشتر مایل می شوند در مواقع نیاز به شما کمک کنند.

شبکه، نیازهای شما را با ارجاعات مداوم برآورده خواهد ساخت. زمانی یک شخص کمک مستقیمی به شما در رسیدن به هدفتان نمی کند اما این به آن معنا نیست که باید او را از شبکه خارج سازید. چون اگر شخص نتواند به ویژه در برآوردن خواسته شما کاری کند، می تواند شما را به فرد یا افرادی که این اطلاعات را در اختیار دارند، ارجاع دهد و بالعکس اگر عضوی در شبکه از شما اطلاعات یا مشاوره ای می خواهد و شما جواب را نمی دانید باید او را به عضو دیگر شبکه که قادر به پاسخگویی است، ارجاع دهید.

نتیجه طبیعی ارجاعات مذکور، توسعه یافتن شبکه است. اما در عین حال از اینکه تعداد اعضای شبکه آنان غیرقابل کنترل شود، خودداری کنید. شما باید به صورت دوره ای ارتباطی را که واقعاً هیچ سودی برای شما ندارد، حذف نمایید. فردی که از مجموعه خارج می شود یک عنصر غیر فعال است.

ساختار یک شبکه را می توان با ساختمان یک اتم مقایسه کرد. شبکه یک هسته مرکزی دارد. این هسته، اعضای هستند که بیشترین تناسب را با هدف اصلی شبکه دارند؛ مهم ترین قسمت به شمار می روند و کمترین نوسان را دارند. اعضای دیگری در شبکه هستند که با الکترون که در مدار به دور هسته می گردند، قابل مقایسه اند. بعضی از اعضا مانند الکترونی که دورتر از هسته است، حضورشان تأثیر کمتری دارد. دورترین عضو، دائماً در حال تغییر و حرکت است. این شماست که ساختمان شبکه را کنترل می کنید و مشخص می نمایید که چه کسی نقش هسته اصلی و الکترون را دارد.

از هر فرصتی برای ملاقات افراد جدید استفاده کنید، هرچه بیشتر روی اینگونه ارتباط کار کنید، روابط سرد زودتر از بین می رود. همانطور که شروع به صحبت با فردی می کنید، سعی کنید بیشتر درباره او بدانید و بفهمید آیا اطلاعاتش سودی به شبکه شما می رساند یا نه؟

اگر شما دائماً روی مجموعه آنان کار کنید، مجموعه همیشه و برای تمام مواقع ضروری در دسترس خواهد بود. یک شبکه فعال هر ۲۴ ساعت روز و ۳۶۵ روز سال فعالیت می کند. شما باید احتیاطاً زمانی را برای بررسی و بازبینی شبکه نگه دارید. اینکه چه مقدار وقت به این کار اختصاص دهید، بستگی به عوامل مختلف دارد، از جمله اندازه شبکه، انواع و مقدار اطلاعاتی که شما جستجو می کنید و مسائل جدیدی که در شرایط شغلی و زندگی شما اتفاق می افتد.

برای اینکه عملکرد شبکه موفق باشد، شما باید مجموعه ای از قواعد ارتباطات میان فردی را رعایت کنید. این قواعد به سادگی آداب معاشرت است، به عنوان مثال: - در برقراری ارتباط با افراد، اعم از مکالمه تلفنی یا ملاقات حضوری، در زمان نامناسب، مانند زمان استراحت و یا مشغله فراوان، با افراد تماس نگیرید؛ - مطمئن شوید که شخص فرصت کافی برای صحبت با شما دارد؛

- با افراد طوری رفتار کنید که دوست دارید با شما رفتار کنند؛ - همیشه تمهدهاتی را که به اعضای شبکه دارید، رعایت کنید؛ - و در نهایت هیچگاه فراموش نکنید که از افراد به خاطر کاری که برایتان انجام داده اند، قدردانی نمایید.

فرایندی برای زندگی

شبکه، محیطی را برای برقراری ارتباط غیر رسمی پایه گذاری می کند که در آن از اطلاعات به طرز مناسب استفاده می شود و می تواند ابزاری قدرتمند برای رشد شخصی و حرفه ای باشد. میزان درک اهمیت شبکه سازی و هدایت صحیح آن برای هر فردی متفاوت است. سطح نیاز به شبکه سازی مستقیماً به نتیجه و اطلاعاتی که فرد می خواهد بستگی دارد و اهمیت آن به تصمیماتی که روی شغل و زندگی فرد تأثیر می گذارد، مربوط می شود.

این شبکه، حمایت اجتماعی افرادی را برای شما فراهم می کند که به آنها علاقه دارید و در واقع تکیه گاهی برای شما خواهند بود.



شبکه را حفظ و نگهداری کنید

شبکه سازی یک فرایند مدار بسته دو جانبه است. شما عضوی از شبکه هر یک از اعضای شبکه خودتان هستید. یک ضرب المثل قدیمی می گوید: به دیگران کمک کنید تا در مقابل به شما کمک شود. این مثل، فلسفه اساسی شبکه سازی را تشریح می کند. همانطور که شما در برقراری ارتباط با افراد مختلف، شبکه تان را بارور می سازید، آنها نیز متقابلاً به اطلاعات مورد نیازشان دست می یابند.

سعی کنید، هر یک از اعضای شبکه را هر شش ماه یک

ید
اد:
بد،
نور
در
راد
ک
نان
بات
مد.
وی
ت.
منبه
ت را
طق
بت را
قایان
قهایی
زیاد از
بیشتر
مالی و
ز خاک
سندج
نوین
خواهی
فظ کن!
تان این
ده تبریز
بان ایران
ت سواحل
این ویلاها
سلی تجارت
ات ممنوعه
فترین قصر
لال معروف
ه است نیز در
اسلحه خود
، خاورمیانه و
رند.
تین کشوری
تجاری سود
یک کشید
۲ هزار دلار در
کرد.
سیره عراق در
موشک پرتاب
داده می شود.

گفتگوهای نظری

نظریه های

دولت در فقه شیعه - ۱



محسن کدیور* در مقاله نظریه های دولت در فقه شیعه، به بررسی آراء گوناگون فقها و نظریه پردازان شیعه پرداخته است. کدیور در ادامه این گفتگوی نظری، ویژگی های هر یک از این نظریه ها را برخواهد شمرد. در قسمت اول، دو مرحله از رویکرد سیاسی فقهای شیعه خواهد آمد.

آراء سیاسی شیعه اگرچه هنوز در مجموعه ای منسجم مدون نگشته است، اما در تفسیر بعضی آیات قرآن کریم، نحوه دسته بندی روایات و شرح پاره ای از احادیث معصومان علیهم السلام، بخشی از حکمت عملی اعم از سیاست نامه ها، اندرزنامه ها و سیاست مدن، برخی ابواب کلامی از جمله مباحث نبوت و به ویژه مسائل امامت و غیبت، بعضی گزارش های تاریخ بالاخص روش سلوک عالمان دین با سلاطین و در مواجهه با مسائل مختلف سیاسی عصر خود و از همه مهم تر در مواضع مختلفی از ابواب فقهی به وضوح دیده می شود. آراء سیاسی فقهای شیعه در ضمن ابواب امر به معروف و نهی از منکر، قضا، حدود، جهاد، خمس، بیع، حجر، نکاح، طلاق، صوم، حج و صلوة جمعه آمده است. در فقه شیعه تا یک قرن و نیم پیش فصل مستقلی در ولایت و سیاست و امارت پیش بینی نشده بود.

فقه شیعه در زمینه حقوق فردی از غنی ترین مجموعه های حقوقی به شمار می رود. در مسائل اجتماعی و احکام حقوق عمومی به ویژه حقوق اساسی، کار کمتری در فقه صورت گرفته است. زاویه نگرش فقهایان در حوزه مسائل عمومی نیز غالباً فردی بوده است. در فقه ما به جای اشخاص حقیقی به ندرت بحث از اشخاص حقوقی و نهادهای اجتماعی به میان آمده است. مباحث حکومت و دولت نیز غالباً در قالب احکام و وظایف شخص حاکم و سؤال اینکه چه کسی حاکم باشد؛ مطرح شده، نه اینکه چگونه حکومت باید کرد؟ و دولت به عنوان نهاد و شخصیت حقوقی چه احکام و وظایفی دارد؟ تفاوت این دو نگرش فراوان است.

نبردختن فقهای شیعه به مسئله مهم دولت و وظایف آن علیرغم موشکافیها و ژرف نگریهای فنی در بسیاری مسائل جزئی و کم اهمیت تر قابل تأمل فراوان است. غالباً در اقلیت بودن شیعه، فشار و خفقان حکومتی وقت، دوری از حکومت و لوازم آن و نیز دسیسه های استعمار به عنوان علت این کم عنایتی ذکر می شوند. هر یک از این نکات قابل بحث و مناقشه است. واقعیت این است که فلسفه سیاسی در میان مسلمین قرنها با رکود نسبی مواجه شده و اندیشه سیاسی ما از رشدی کم رقم نیز محروم مانده است.

فقه شیعه به واسطه تلقی خاصی که به تدریج از مسئله غیبت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و مسئله امامت و ارتباط آن با مسئله دولت پیدا می کند، هرگز نیازی به پرداختن به مسئله دولت احساس نمی کند. این پندار که عصمت شرط حاکم است (۱) و قیام در زمان غیبت و قبل از قیام قائم (عج) برافراشتن پرچم ضلالت است (۲)، به علاوه عدم احتمال طولانی شدن غیبت از جمله عوامل ایستایی اندیشه سیاسی شیعه و عدم رشد حقوق اساسی در میان فقهای شیعه بوده است. نوعی از مان گرایی و ایده آل نگر و دوری از واقعیت اجتماعی در این صحنه بر فقه شیعه تحمیل شده است.

بسیاری از مسائل سیاسی و حقوقی عمومی جز با درگیر شدن با آنها مطرح می شود. با ابداع احتمال و فرض و تخیل، راهنمایی کاربردی مفید و قوی به دست نخواهد آمد. فقهای شیعه با تلقی پیش گفته، دوری از صحنه حکومت و مدیریت اجتماعی را در طول قرون به عنوان مظلومیت محتوم تاریخی که بر شایسته ترین انسانها - معصومان علیهم السلام - روا شده، و به تبع، پیروان ایشان را نیز چنین سرنوشتی در پیش دارند، پذیرا شدند و کمتر برای تغییر این وضعیت، اقدامی یا زمینه چینی را لازم دانستند. قهر و غلبه سیاستهای خرد ستیز و خشن زمانه نیز چنین نگرشی را در فقهای و جامعه شیعی بیشتر تثبیت کرد. چنین عواملی باعث شده تا مسائل سیاسی و حقوق اساسی هرگز به عنوان مسائل مورد ابتلا برای فقهای شیعه تا نزدیک یک قرن پیش مطرح نباشد.

از میان مسائل اجتماعی، دو مورد از دیرباز مورد عنایت فقهای شیعه بوده است: یکی قضاوت و دیگری امور حسبیه.

فقهایان در مورد اخیر به حق دریاخته بودند که مواردی هست که شارع در هیچ شرایطی مطلقاً راضی به ترک آنها نیست. تکفل افراد بی سرپرست و به طور کلی امور عمومی فاقد سرپرست خاص در زمره امور حسبیه شمرده می شد. امور حسبیه می توانست سکوی بسیار نیکویی برای پرش به فقه عمومی محسوب شود. اما این مهم به دو دلیل انجام نشد: یکی از حیث مصادیق حسبیه که تا عصر مشروطه از مرز سرپرستی یتیمان و سفیهان و دیوانگان فراتر نرفت و تا آن زمان مسائلی از قبیل امنیت، بهداشت و آموزش عمومی را در بر نگرفت. عامل دیگر این بود که امور حسبیه همواره در دست فقهای عادل به عنوان ولایت یا قدر متقین درجه از تصرف به عنوان اشخاص باقی ماند، اما هرگز نهادی به عنوان تصدی امور حسبیه با احکام خاصش مورد بحث قرار نگرفت. دولت می توانست تجلی توسعه امور حسبیه محسوب شود که نشد.

رویکرد سیاسی فقهایان شیعه را می توان به چهار مرحله تقسیم کرد:

تاریخ یاد شده چنین ادعایی نداشته اند. یعنی ایشان اگرچه به تصدی اموری از قبیل قضاوت و لوازم آن مانند اقامه حدود، اقامه نماز جمعه یا تصدی امور حسبیه از باب ولایت یا جواز تصرف به عنوان قدر متقین، قائل بوده اند، اما هرگز فراتر از این افق را ننگریسته بودند و به تاسیس نهاد دولت و احکام و لوازم آن نپرداخته بودند. اینکه آیا اسلام فارغ از زمان معصومان علیهم السلام، حکومتی دارد یا نه، سئوالی است که برای فقهایان هزاره اول هجری مطرح نبوده است. لذا ذکر، ولایت فقیه در متون فقهی یاد شده هرگز به معنای ولایت سیاسی یا حکومت فقهایان نیست.

به هر حال تا نیمه قرن سیزدهم هجری تألیف مستقلی در زمینه حقوق اساسی و ولایت فقیه سراغ نداریم. هرچند نگارش رساله های متعدد خراجیه (۴) و نماز جمعه (۵) در عصر صفوی و رساله های جهادی (۶) در عصر قاجاری که معلول مساعد شدن شرایط اجتماعی بوده، مقدمه نگرش استقلال به احکام ولایت فقیه بوده است.



در اقلیت بودن شیعه، فشار و خفقان حکومت های وقت و دوری از حکومت و لوازم آن و دسیسه های استعمار از علل کم توجهی فقهی به مسئله دولت بوده است.

- ۳- الشیخ المفید، المقنعة (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۸۱۲-۸۱۰)
- ۴- المحقق الثانی، و المحقق الایردیلی و الفاضل القطفی و الفاضل الشیبانی، الخراجیات (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳)
- ۵- ر. ک به کتابشناسی رساله های نماز جمعه در دین و سیاست در دوره صفوی، نوشته رسول جعفریان (قم، انصاریان، ۱۳۷۰ ش) ۱۸۲-۱۵۲، از جمله مهمترین این مسائل: رساله فی صلوة الجمعة در رسائل المحقق کرکی، المجموعة الاولى، تحقیق الشیخ محمد الحسون (قم، مکتبه آیة الله المرعشی، ۱۴۰۹)؛ ۱۳۷-۱۳۲. و الفیض الکاشانی، الشهاب الثاقب فی وجوب صلوة الجمعة العینی، (قمی، بی تا)



"بیعت" یک مفهوم دیرینه در فقه سیاسی که از دیرباز تا امروز در نظر و عمل جاری بوده است.

- ۱- به عنوان نمونه ر. ک به العلامة الحلی، الحسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء (تهران، چاپ سنگی) ج ۱: ۴۵۳-۴۵۲.
- ۲- ر. ک به الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۲) الباب الثالث عشر من کتاب الجهاد فی حکم الخروج بالسیف قبل قیام القائم علیه السلام؛ ج ۱۵ / ۵۶-۵۰.
- ۳- ر. ک به نگاهي گذرا به ادب جهادی در کتاب نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایرانی با دو رویه تمدن بورژوازی غرب نوشته دکتر عبدالهادی حافری، (تهران، امیرکبیر ۱۳۶۷) / ۲۸۳-۳۷۴.

معرفی

۹ مقاله درباره ایران

ایران بیش از متوسط جهانی، کود شیمیایی مصرف می کند. متوسط مصرف کود شیمیایی در ایران ۲۰۰ کیلوگرم برای هر هکتار است. متوسط جهانی ۸۷، ترکیه ۵۴ و پاکستان ۷۴ کیلوگرم است. اطلاعات مذکور در نخستین نامه انجمن جامعه شناسی ایران منتشر شده است. مجموعه حاضر که به کوشش انجمن جامعه شناسی منتشر شده، مقالات متعددی را از جامعه شناسان ایرانی شامل می شود.

مقالات مجموعه، حاصل سخنرانی های ماهانه انجمن است و عناوین آن از گرایشها و موضوعات متعدد در جریان جامعه شناسی ایران حکایت می کند. برخی مقالات، به مباحث نظری و روش شناختی توجه بیشتری نشان داده اند، و در کنار آنها، مقالاتی نیز از علاقه جامعه شناسان ایرانی به موضوعات و مشکلات اجتماعی نظیر زلزله، مسائل روستایی و بحران هویت و ... خبر می دهد. نخستین شماره نامه انجمن جامعه شناسی ایران، اقدامی سودمند و ضروری در انعکاس نتایج تحقیقات جامعه شناسی و طرح مسائل اجتماعی ایران است. بهمن انتشار این مجموعه را به اعضای انجمن جامعه شناسی تبریک می گوید. عناوین مقالات عبارتند از: - فرجام حدال در جامعه شناسی خرد و

کلان - دکتر غلام عباس توسلی
- کاربرد بانکهای اطلاعاتی در علوم اجتماعی - دکتر منوچهر محسنی
- وضع کنونی پژوهش در روانشناسی اجتماعی - دکتر علی محمد کاردان
- جامعه شناسی فاجعه: تجربه زلزله رودبار - منجیل
- تحلیل جامعه شناختی تعدادی از شعارهای انقلاب اسلامی ایران - دکتر محمدحسین پناهی
- هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران - دکتر محمد عبداللهی
- رئالیسم روش شناختی در جامعه شناسی دکتر مسعود چلبی
- توسعه کشاورزی؛ زوال جامعه روستایی - دکتر مهدی طالب
- عقابیت در جامعه شناسی - دکتر تقی آزاد ارمکی
- اساسنامه انجمن جامعه شناسی



شرایط مبارزه بر علیه رژیم شاه در آن زمان ایجاب می کرد که بجنوردی در مرکز بسیاری از ارتباطات تشکیلاتی و فکری مبارزات اسلامی قرار گیرد. از این رو، خاطرات بجنوردی بخش مهمی از تاریخ انقلاب اسلامی را روشن می سازد.

متعلق به نسلی از روحانیون مبارز است که پیوند نزدیکی با مبارزات سیاسی سایر کشورها داشتند. بجنوردی به همراه سایر یارانش، حزب ملل اسلامی را به عنوان نخستین سازمان نظامی نیروهای اسلامی پس از قیام پانزده خرداد ۴۲ بنیان گذاشت.

خاطرات سید کاظم موسوی بجنوردی

روز شمار خاطرات سید کاظم موسوی بجنوردی، روز شمار دوره حساسی از انقلاب اسلامی ایران است. او

موسوی بجنوردی: بنیانگذاری حزب ملل اسلامی

دستگاه های تبلیغاتی رژیم، هیاهوی بسیاری درباره دستگیری سران حزب ملل اسلامی به راه انداختند. مواضع اسلامی حزب و دسترسی آن به اسلحه و مهمات، ساواک را به وحشت انداخته بود.

سید محمد کاظم موسوی بجنوردی - سال ۱۳۴۷ در حیاط زندان قصر، پس از دستگیری به عنوان رهبر حزب ملل اسلامی

نیز کتابهایی از اندیشمندان اسلامی مثل ابوالعلاء مودودی بود. در همان ایام بود که خاطرات چرچیل و دوگل را که در واقع مربوط به چند سال قبل از جنگ جهانی دوم و جریانات شکل گیری جهان بود، خواندم، زیاد مطالعه می کردم. کتابهای انقلابی را با شور می خواندم، در تمام این اندیشه هایی که داشتم، روح عدالت خواهی موج می زد، با مظلومان و ستمدیدگان احساس همدردی می کردم، و آنچه می اندیشیدم در واقع، برای سعادت و رهایی آنها بود. فکر می کردم ایران و امت اسلامی باید بسیار پیشرفت کند، نیرومند گردد و در تمام زمینه ها تحقیق کند. در تصوراتم غرق بودم و برای پیشرفت و تعالی راهی می جستیم. البته هنوز خیلی جوان بودم و اندیشه های بلند پروازانه بود، همه چیز را در یک آن می خواستم و فکر می کردم این هدفها را باید داشت، تا تحقق پیدا کنند. ظاهراً اعتماد به نفس داشتم، در این فکر بودم که از کجا و چگونه باید شروع کنم، برایم باور کردنی نبود که بتوانم به این زندگی ادامه دهم.

روزنامه کیهان شماره ۱۳۴۸۲۲۴۴ - ۱۱ - ۱۳۴۷

ترور رجال و شخصیتها

بر نامه اساسی حزب ملل اسلامی بود

رهبر حزب ملل اسلامی از ایرانیان مقیم عراق است

جزایر دستگیری کلبه اعضاء حزب ملل اسلامی را خیر نگاران کیهان که با تیای مأمورین تعقیب کردند شرح می دهند.

در این شماره از کیهان (۱۳۴۷/۱۱/۲۲) در مورد ترور سید محمد کاظم موسوی بجنوردی و سایر اعضای حزب ملل اسلامی در عراق، گزارش مفصّلی درج شده است. در این گزارش آمده است که در روز ۱۳ خرداد ۱۳۴۷، سید محمد کاظم موسوی بجنوردی در منزل خود در محله کربلا، بغداد، عراق، ترور شد. در این ترور، سید کاظم موسوی بجنوردی در حالی که در منزل خود بود، با تعدادی از اعضای حزب ملل اسلامی که در آنجا جمع شده بودند، مورد حمله قرار گرفت. در این ترور، سید کاظم موسوی بجنوردی در حالی که در منزل خود بود، با تعدادی از اعضای حزب ملل اسلامی که در آنجا جمع شده بودند، مورد حمله قرار گرفت.

ایدئولوژیک در من پدید آمد که طبیعی می نمود، زیرا فردی مذهبی بودم و در واقع خواندن چنین کتابهایی مرا از لحاظ سیاسی متوجه اسلام نمود. در سن پانزده سالگی بود که با تعدادی از جوانان کتابخانه ای در منزل آقای نظنزی تأسیس کردیم و یکی را پیدا کردیم که برای ما مراجع به اسلام صحبت کند. در خلال همین جلسات بود که شخصی به نام یوسف (نام فامیل او را فراموش کرده ام) به جمع ما پیوست و از معلومات او استفاده می کردیم و خوشحال بودیم. پس از چندی یوسف مرا دعوت کرد که به حزب دعوت اسلامی بپیوندم. پس از آمدن به ایران در سال ۱۳۳۹ در فکر راه جدیدی بودم. مطالعاتم بیشتر در زمینه های سیاسی، تاریخ معاصر و کتابهای مذهبی مربوط به اخوان المسلمین و حزب التحریر و

نزد مرحوم آیت الله سید محمد فیروز آبادی درس خواندم و بعد از آن برای ادامه تحصیل در سال ۱۳۳۹ به تهران آمدم. در تهران به اخذ تصدیق مدرسی نائل شدم و در نزد آقای سیدعلی هاشمی شرح منظومه خواندم. در واقع از سن ۱۵ سالگی به مطالعه روی آوردم و پیوسته با اشتیاق کتاب می خواندم. کمی بعد به مطالعه کتب مذهبی گرایش پیدا کردم که در آن زمان فعالیت های مذهبی در عراق از سوی اخوان المسلمین، حزب التحریر الاسلامی، حزب دعوت اسلامی و جمعیت شباب المسلم شدت یافته بود. مخصوصاً اخوان المسلمین و حزب التحریر الاسلامی کتابهای ارزنده ای منتشر کردند که من هم به مطالعه آنها مشغول شدم و از خواندن همین کتابها بود که گرایشهای سیاسی و

سیاست و اخلاق

آیا میان سیاست و اخلاق همبستگی هست؟ این پرسشی است که از ۲۵۰۰ سال پیش تاکنون بارها و بارها به میان آمده است. از میان بزرگترین و برجسته ترین اندیشمندان و فیلسوفان تاریخ جهان، گروهی گفته اند: آری، گروهی گفته اند: نه! این آری یا نه گفتن به این پرسش بستگی دارد که آیا انسان موجودی سیاسی و یا اخلاقی است؟ همه بر این باور بوده اند که انسان موجودی است هم سیاسی و هم اخلاقی. اما آیا میان سیاست و اخلاق تضادی نیست؟ آیا معیارهای سیاسی و اخلاقی یکی است؟ آیا سیاست را می توان بر پایه نظام ارزشهای اخلاقی استوار کرد؟ سیاست چیست؟ اخلاق چیست؟ ارسطو، بزرگترین اندیشمند جهان باستانی گفته است: انسان موجودی طبعاً سیاسی است که باید با همو عاشر، در یک جامعه انسانی همزیستی کند. همه دشواری در این همزیستی است. از سوی دیگر انسان موجودی است که می تواند دوست بدارد، نفرت بورزد، چیزهایی را بپسندد یا نپسندد، می تواند تسلیم غرایز و شهوات خود شود یا بر آنها چیره شود. و این از آن رو است که به آدمی، و تنها به آدمی عقل داده شده است. انسان به این علت موجودی اخلاقی شده است، که عاقل است. اخلاق زاینده عقل آدمی است. اما این عقل پیش از آن که اخلاقی باشد، سیاسی است؛ یعنی عقل نخست باید بیاندیشد که دو انسان یا بیشتر - زن و مرد و فرزندان، روستا و شهر و سپس کل یک جامعه - همزیستی و همکاری داشته باشند، و سپس بیاندیشد که چگونه پیوندهای بیرونی و درونی را با خودشان و دیگران استوار کنند. آنگاه این پرسش به میان می آید که نیک چیست، بد چیست؟ در پاسخ به این پرسش انسانها در گذشته و اکنون نیز دچار حیرت اند اما همه نیک را می پسندند و از بد بیزارند، تنها درباره ماهیت نیک و بد اختلاف داشته اند و دارند.

دکتر شرف الدین خراسانی

پستی ها برای کاندیداهای مجلس تبلیغ می کنند

هیچانات را دامن می زند و رفتارهای انتخاباتی مردم را تحت تاثیر قرار می دهد. البته روشن است که افزایش مدت زمان برای تبلیغات انتخاباتی، عوارضی هم دارد که با توجه به آنها این مدت در قانون پیش بینی شده است. اکنون با توجه به تجربیات چند دوره اخیر انتخابات، این پرسش مطرح

قابل طرح است که آیا ضرر این روش عمل بیشتر است یا مخدودیت تبلیغات در مدت محدود؟ به هر حال رواج این شیوه عمل و تبلیغاتی، ناشی از نیازی است که در فضای سیاسی کشور احساس می شود. تعیین مدت زمان تبلیغات انتخاباتی، باید به نحوی باشد که هر چه بیشتر قدرت انتخاب مردم را افزایش دهد، آگاهی سیاسی را بالا ببرد و فضا را برای مشارکت سیاسی آن آماده تر کند.

شرکت پست آماده است تا بر اساس قانون تبلیغات انتخابات، کلیه فعالیتهای تبلیغاتی کاندیداهای پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی را انجام دهد.

مهندس محمد کرم پور روز گذشته در گفتگو با خبرنگاران ضمن اعلام این خبر، افزود: شرکت پست می تواند آگاهی های تبلیغاتی کاندیداهای باجه های پستی توسط متصدیان و

برای تبلیغات انتخاباتی چقدر زمان لازم است

در ایران، مدت تبلیغات به لحاظ قانونی، محدود به ۱۰ روز قبل از رأی گیری است. در این مدت نامزدهای انتخاباتی، تحت ضوابط قانونی تعیین شده به مبارزه انتخاباتی می پردازند. اما در عمل، فعالیت انتخاباتی جناحها و نامزدهای مختلف، مدتها قبل از مدت رسمی آغاز می شود. دست کم در شش ماه قبل از زمان رسمی و قانونی فعالیت انتخاباتی، نامزدهای انتخاباتی شروع به فعالیت می کنند. مسافرتها، نطقها، مصاحبه ها، دیدارهای محلی و بسیاری از این قبیل فعالیتها، حکایت از آغاز غیررسمی فعالیت انتخاباتی می کند.

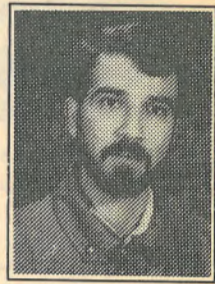
به نظر می رسد اگر مدت رسمی برای فعالیت انتخاباتی افزایش پیدا کند، اطلاعات و شناخت بیشتری در مورد نامزدها در اختیار مردم قرار خواهد گرفت و می توانند تصمیمات روشن تر و آگاهانه تری بگیرند، اما فرصت محدود و تراکم فعالیت تبلیغاتی در مدتی محدود، فضایی از احساسات و

درگیری های منطقه ای

دروازه اشک

حمله اریتره به جزیره حنیس یمن، بدون کمک اسرائیل امکان پذیر نبوده است.

سید محمد صادق حسینی



به یکباره و بدون هر گونه مقدمه ای، اختلاف میان اریتره و یمن بر سر مالکیت جزیره حنیس بزرگ، آغاز گردید. محل مورد اختلاف و

منزاعه جزیره ای است در میان آبهای دریای سرخ، واقع در حد فاصل آبهای منطقه ای کشورهای اریتره و یمن در کنار تنگه مشهور و استراتژیک باب المندب. جزیره حنیس بخشی از مجمع الجزایری است که علاوه بر آن جزیره، دو جزیره حنیس کوچک و جزیره زقر را نیز شامل می شود. این مجمع الجزایر به دلیل فراوانی سنگهای مرجانی معروف بوده و به دلیل احتمال وجود ذخایر غنی نفت خام در بستر دریایی کناره سواحل این جزایر و به لحاظ واقع شدن در مسیر کشتیرانی و تجاری جهان و محل عبور نفکشی های مختلف تجاری حامل کالا در خلیج فارس و سواحل افریقا به آب های بین المللی دریای مدیترانه و یا به اقیانوس هند اهمیت یافته است. البته آنچه بر اهمیت آن می افزاید این است که کشتیرانی و مسیر آبی جهانی کالا در آب های بخش عربی این منطقه برقرار است و عملاً در بخش افریقایی آن به علت وجود موانع فراوان سنگهای دریایی سخت و تقریباً ناممکن می باشد.

دلایل علنی که برای اختلاف و درگیری ذکر شد این بود که دولت اسمره در پی اقدامات یمن و دعوت این کشور از شرکتی ایتالیایی برای اجرای یک پروژه بزرگ سیاحتی در جزیره حنیس بزرگ و سایر فعالیت های به عمل آمده بر روی جزیره مذکور، آن را یک تصمیم نهایی صنایع در بسط حاکمیت مطلق خود بر مجمع الجزایر تلقی نموده است و همین موضوع، مسئولین کشور اریتره را واداشت تا بخش وسیعی از نیروهای خود را به جزیره وارد کنند و درگیر یک جنگ دریایی و هوایی برای اشغال آن شوند. کاری که هرگز بدون کمک افسران جنگی اسرائیل نمی توانست رخ دهد.

در این میان می توان اعلام بندر عدن به عنوان یک منطقه آزاد تجاری از اول دسامبر ۱۹۹۵ از سوی جمهوری یمن را یک عامل و تسریع کننده منازعه و اختلاف دانست.

به ویژه که این موضوع هم زمان با تصمیم صنایع بر ایجاد طرح های بزرگ اقتصادی و تجاری در منطقه عدن که فعال نمودن نقش تجاری یمن در دریای سرخ را به دنبال خواهد داشت، صورت گرفته است و نیز با توجه به راه اندازی مجدد پالایشگاه بین المللی عدن با ظرفیت پالایشی ۹ میلیون تن در سال که به این مسئله دامن زده است. کسانی هم پیدا می شوند که علت را در خودداری یمن از انجام تماس های مستقیم با رژیم صهیونیستی جستجو می کنند. و به امتناع فرستاده علی عبدالله صالح رئیس جمهوری یمن از دیدار و گفتگو با شیمون پرز، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در اجلاس اقتصادی اخیر سران در امان (بنا به دستور صنایع) و علیرغم تقاضای خود شیمون پرز، اشاره می کنند که خشم شدید صهیونیستها را در پی داشته است.

ولی علت اصلی بروز اختلاف و منازعه بر سر مجمع الجزایر حنیس در نظر آگاهان این منطقه به چشم داشت دیرینه اسرائیل بر می گردد که همواره داعیه سیطره بر تنگه باب المندب را در نظر داشته است و آمریکا هم به سهم خود در نقشه اسرائیل به آنها کمک کرده اند و چراغ سبزی را برای این رژیم جهت فرماندهی تحرکات اخیر اریتره به سوی جزیره حنیس نشان داده اند و هم اکنون همین آمریکا است که علیرغم درخواست های یمن برای دخالت آن به عنوان میانجی برای حل بحران به وجود آمده و پیشنهاد ورود واشنگتن به عنوان عضو اصلی یک کمیته مشترک منطقه ای و بین المللی ناظر بر حل مسالمت آمیز اختلاف که از طریق رایزنی نظامی این کشور در صنایع مطرح گردیده، سکوت اختیار کرده است. این موضوع ابهامات و پیچیدگی موضوع را بیشتر نشان داده و اهداف

جهان ما

نکاتی فراتر اشاره می کنند و اختلاف به وجود آمده را به صورت زیر ارزیابی می کنند، این که پس از تغییرات ساختاری در معادلات و توازن قدرت های منطقه ای و بین المللی در پی دو جنگ در خلیج فارس و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از هم گسیختگی بلوک سوسیالیسم شرق و از دست رفتن نفوذ و سیطره شدید مسکو بر دریاها و ضعف عمومی اعراب در ایفای نقش خود به عنوان یک سیستم فعال منطقه ای در دریای سرخ و مدیترانه و نیز خلیج فارس این همه دست به دست هم داده تا آمریکا خود را در منازعه اعراب و اسرائیل میسوطالید بداند و از سوی دیگر اسرائیل بکه تاز میدان، نفوذ منطقه ای خود را بر باب المندب یا دروازه اشک آنچنانکه گزارش های اسرائیل آن را می نامند، بگسترانند.

در چهارچوب گفتگوهای اعراب و اسرائیل و پس از، از میان رفتن موانع روانی و سیاسی حاصل از دو توافقنامه اوسلو و وادی عربیه هدف جدید اسرائیل ظاهراً به صورت یک طرح فوری برای ایجاد یک بازار خاورمیانه ای به رهبری تل آویو نمایان گردید که در دو کنفرانس اقتصادی جهانی کازابلانکا و امان ابعاد آن مورد بررسی قرار گرفت. بدین ترتیب و طبق طرح های اقتصادی که اسرائیل توسط وزرای خود در این دو کنفرانس ارائه داده اند، اهداف مورد نظر رژیم

دورتر از ورای درگیریها و اختلاف پیش آمده را نمایان می سازد. کسی چه می داند! شاید هم آمریکائیه منتظرند تا مسئله به مرحله بفرنجی برسد و سپس واشنگتن به عنوان یک منبعی بین المللی وارد عمل شده و با یک طرح بین المللی مجمع الجزایر را یک منطقه عاری از سلاح و خارج از سیطره هر دو طرف درگیر و منازعه یمن و اریتره اعلام کند. و به یک معنا این منطقه توسط یک پلیس بین المللی یعنی ایالات متحده آمریکا اداره شود. علائم برآمده از منطقه در چهارچوب میانجیگری های اتیوپی و مصر و اتحادیه عرب و سازمان ملل و دیگران هم بر این امر تاکید دارند.

آنچه وجود اهداف دورتر را برای اختلاف و منازعه بر سر حاکمیت بر مجمع الجزایر مورد تاکید قرار می دهد، باطل بودن ادعاهای اریتره و عدم استناد آنها به مدارک یا اسناد تاریخی است. زیرا اسناد تاریخی موجود نزد همه کشورهای منطقه از جمله خود اتیوپی ها که زمانی در دوران حکومت هیلاس لاسی کشور قدرتمند تنگه باب المندب به شمار می آمدند و می توانستند ادعایی در مورد جزایر داشته باشند و آنها را به سادگی اشغال نمایند، همگی دال بر این هستند که این جزایر از دیرباز جزایر یمنی بوده اند و یمن جنوبی آنها را



رژیم صهیونیستی همواره کوشیده است تا مسیر حرکت تجارت جهانی نفت و سایر کالاها را به سوی خلیج ایلات انتقال دهد. از این رو، نفوذ در تنگه باب المندب را بسیار حیاتی تلقی می نماید.

صهیونیستی را می توان در انتقال حرکت تجارت جهانی نفت و سایر کالاها و نیز سیاحت و جهانگردی از کانال سوئیس به خلیج ایلات خلاصه و تعیین نمود. و از آنجا که ایلات تنها راه ارتباطی اسرائیل به دریای سرخ و اقیانوس هند که قادر است ارتباط تل آویو به منابع نفت و گاز خلیج فارس را از یک سو تأمین نماید و از سوی دیگر توسعه روابط تجاری و کشتیرانی روزافزون با قاره آسیا و افریقا (افریقای سیاه) را فراهم سازد، تنگه باب المندب اهمیتی بیش از پیش و صد چندان برای اسرائیل خواهد داشت. و اگر چنانچه نیاز اسرائیل برای عادی سازی روابط مختلف خود با کشورهای عربی خلیج فارس هم اکنون جزو مهم ترین دغدغه های سیاست خارجی حکومت کارگری شیمون پرز بدانیم آنگاه باز سیطره این رژیم بر باب المندب بدون شک یک هدف مهم اسرائیلی تلقی خواهد گردید.

پس از تخلیه استعمال بریتانیا در سال ۱۹۶۷ میلادی در اختیار داشته است - تنها چیزی که اریتره ای ها به آن استناد می کنند حضور آنها زمانی در این جزایر - در دورانی که در مبارزه برای به دست آوردن استقلال از حکومت آدیس آبابا به سر می بردند - می باشد. در این راستا گزارشها بر این تاکید دارند که یمن جزایر مذکور همراه با جزیره کامران واقع در اعماق آب های منطقه ای و ملی خود در دهه های شصت و هفتاد و نیز هشتاد را در اختیار و تصرف اریتره ای ها گذاشته بود تا بتوانند از آنها به عنوان پایگاهی برای آزادسازی سرزمین خود از اشغال اتیوپی استفاده کنند و رئیس فعلی کشور اریتره ایسیاس فورقی که در آن زمان به عنوان نماینده جبهه آزادیبخش اریتره در یمن به سر می برده کاملاً ابعاد آن اطلاع دارد.

ولی تحلیلگران استراتژیست منطقه در مورد اختلاف و منازعه مصنوعی و ساختگی در مورد حاکمیت بر جزایر به

درآمد جهان بالا رفته است

بانک جهانی در گزارش جدید خود اعلام کرد که درآمد سرانه جهان در پایان سال ۹۴ یک درصد افزایش یافت و به ۴۶۰۰ دلار رسید. لوگزامبورگ ها، بیش از سایر کشورها، درآمد داشته اند. درآمد سرانه لوگزامبورگ، به ۴۰ هزار دلار رسید. سوئیس، ژاپن، دانمارک، نروژ، آمریکا و آلمان در مرتبه های بعدی قرار دارند. در حالی که موزامبیک، اتیوپی و ملاوی پایین ترین درآمد را داشته اند. بانک جهانی در بخش دیگری از گزارش خود می گوید: رشد اقتصادی آلمان در این کشور در مقام پنجم قرار گرفته است.

چشم انداز

۴ گام مانده به ۲۰۰۰



سال ۱۹۹۵ پایان گرفت و جهان گامی به سال ۲۰۰۰ میلادی نزدیکتر شد. از فردای روزی که ناقوسها به صدا در آمد و آغاز قرن بیستم را نوید داد تا همین چندی پیش، سال ۲۰۰۰ رویایی بود که گاه نیز به کابوسی بدل شد. بسیاری از متخصصان این سال را مقطع محاسبات و پیشگویی های خود دیدند. سیاستمداران غربی معمولاً با خوش بینی مفرط و روشنفکران غربی با بدبینی، آغاز قرن بیست و یکم را تصویر کردند، تنها معدودی بودند که در هنگامه ها به یاد انسان بودند که به ظاهر تمام گفتگوها درباره اوست. اگر کسی هم بالاخص درباره انسان در پایان قرن بیستم نوشت و گفت شاعران و ادیبان بودند، ورنه بقیه به مسائل دیگری مانند کشاورزی، صنعت، سیاست، روابط بین دول، سرنوشت ایدئولوژی، پایان کار علم و کنجکاوای های بشر و دخالت های او در کره ارض و ... مشغول بودند که گرچه همه این ها برای انسان بود و همه این دگرگونی ها به دست انسان شکل می گرفت اما باری از بی پناهی و تنهایی انسان نبود. کمتری را پروای آن بود که انسان را در میان انبوه ساخته ها، مجسم کند، خسته و بی هدف.

سال ۲۰۰۰ اما دیری است که دیگر رویایی (یا کابوس) نیست، سالی مانند دیگر سالها که شوق ویژه ای بر نمی انگیزد و لباس تازه ای نبایست برای آن دوخت.

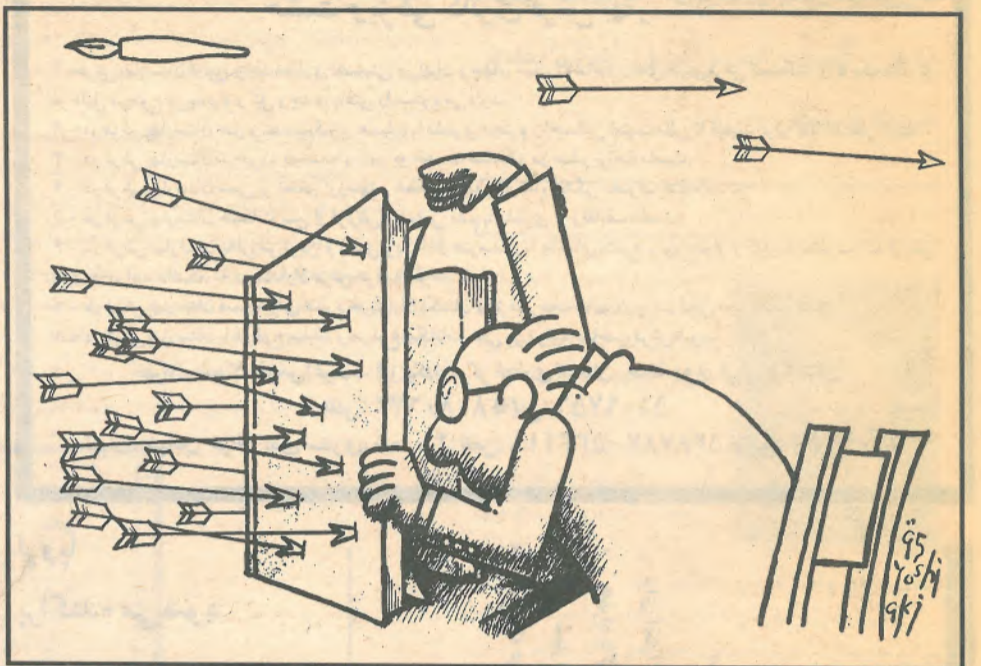
برای نگاه به تمدن بشری در قری که گذشت آشناسازی می توان کرد. در ایران ۱۰۰ سال پیش حادثه ای رخ داد که در زمان خود اهمیتش آشکار نشد ولی در حقیقت آغاز تاریخ دیگری بود (۱). تیری که از اسلحه میرزا رضا کرمانی در قلب ناصرالدین شاه نشست، سیدجمال الدین اسدآبادی به نمایندگی از سوی اصلاح طلبان و آزادخواهان ایرانی فرستاده بود با آن گلوله مجسمه استبداد شکست و نسل شاهان سنتی که خود را ظل الله می خواندند و بسیاری هم آن را باور داشتند، منقرض شد. مظفرالدین شاه جانشین او ظل الله نمی توانست بود. نخستین سال قرن را در اروپا گذرانند به تماشای نمایشگاهی که اروپا و تمام جهان در آن چکیده تمدن های خود را جمع آورده بودند، هفت سال بعد او فرمان مشروطیت را امضا کرد و درگذشت. در آن زمان دو سالی بود که در جنوب ایران مته های ارسالی داری به نفت رسیده بود و این کشف سرنوشت مردم ایران را در این ۹۰ سال تحت تأثیر گرفته است. با تجسم آن روزها و مقایسه آن با امروز می توان گذر قرن را بر مردم فلات ایران دید و به همین مقیاس، دیگر نقاط زمین را قیاس کرد. گر چه هنوز در بعضی نقاط زمین آدمیان چنان می زندگی که در آن زمان می زیستند و در برخی جاها تفاوت چنان است که دیگر تصور ۱۰۰ سال پیش ممکن نیست. ایران را می توان میانگین تحولات زمین دانست و کدام یک از ما مانند پدر بزرگان خود هستیم که در پایان قرن نوزدهم می زیستند این همه دگرگونی در ۱۰۰ سال، که در عم این زمین هزاران میلیارد ساله لمحهای بیش نمی توانا بود؟

چه خوش به دل بودند، نویسندگان و دانشمندان سالهای میانی قرن که کوشیدند مشخصات جهان سال ۲۰۰۰ را پیش بنگرند در حالی که در آغاز سال ۹۹۶ نمی توان به درستی گفت ۴ سال آری ۴ سال دیگر جهان چگونه جایی خواهد بود.

فوکویاما که به استناد ته کشیدن ایدئولوژیها پایار تاریخ را اعلام داشته است باز نمی گوید به جای تاریخ چه می نشیند، هانتیگتون که در مقابله با او نظر با رویارویی تمدنها داد، در مقابل این سوال باقی ماند که مگر زمان خیال لحظه ای ایستایی دارد؟ شاعر افریقایی گفت "آه اگر می توانستم، لحظه ای فقط لحظه ای زمان را از حرکت باز دارم تا بتوانم امروز کشف کنم". پیشوای کاتولیکها که می گویند سال ۲۰۰۰ را نخواهد دید، دعا کرد زمینیان با یکدیگر مهربان شوند و از جدال با خود دست بردارند و به خ بیندیشند. این دعای همه ساله اوست.

Saturday
6 January, 1996
NO. 1, Vol. 1
License holder & Editorial
director:
S. A. Mohajerani
editor - in - chief:
A. Alavi Tabar.

بهار



یوکوتا، یوشیاکی - ژاپن

دنیای کاریکاتور است

رقابت ۱۷۸ میلیارد دلاری مخابرات در آسیای جنوب شرقی

تحول مقررات مخابراتی در جنوب شرقی آسیا

تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در حال بررسی تحول ساختار مخابرات و اثرات آن در زمینه‌های مختلف اقتصادی در جنوب شرقی آسیا هستند.

دلایل تغییرات در مقررات مخابراتی و ساختار عملی آن در جنوب آسیا از دو جنبه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. نخستین دلیل استفاده از صنایع مختلف در تمام بخش‌های اقتصادی به خصوص در بخش خدمات مخابراتی و تکنولوژی اطلاعات در زمینه ماهیت و استراتژی فعالیت‌های اطلاعاتی است، که این موضوع دربرگیرنده خدمات سریع‌التوسعه با ارزش افزوده مفید است.

دومین دلیل پیرامون تجدید نظر در مقررات است که امکان استفاده مؤثرتر از تکنولوژی مخابرات را توسط استفاده کنندگان بیشتری فراهم می‌سازد. ابداعات خصوصی در بسیاری از کشورها شکل می‌گیرد. از آغاز دهه ۱۹۸۰ این تمایل در قاره‌های مختلف اعم از ثروتمند و فقیر رو به گسترش نهاده و تأکید بیشتری روی نیروهای بازار برای استفاده از منابع مؤثر اختصاص داشته است. یکی از نکات مهم، مسئله کنترل است که چه کسی کنترل کننده منابع اطلاعاتی، با چه میزانی است. و چه کسی از این اعمال کنترل و تغییرات در ارتباط با کنترل کنندگان سود می‌جوید؟ پاسخ این پرسش‌ها در سطوح مختلف کشورهای مختلف، داده شده است. و با وجود همکاری‌های عملی در ارتباط با شبکه‌های بین‌المللی مخابرات و تأثیرات منطقه‌ای و جهانی آن، اصلاح این فرایندها با اهمیت جلوه می‌کنند. میزان تعرفه‌ها در استفاده از ارتباطات داخلی، دلایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بین‌المللی و منطقه‌ای برای فرد فرد کشورها و جوامع، به‌شمار می‌آیند. در کشورهای آسیای جنوب شرقی که مرکب از ۶ کشور مهم آسیایی است؛ تغییرات در تملک صنعت مخابرات و کنترل آن، به مقیاس‌های مهمی وجود داشته است. زمانی که کنترل دولتی بر صنعت مخابرات در چند کشور، کاهش می‌یابد، تجدید نظر در ساختار مخابراتی، اهمیت بیشتری در بسیاری از کشورهای آسیای جنوب شرقی می‌یابد.

کشورهای تایلند، مالزی، اندونزی و سنگاپور معادل ۶ تا ۱۰ درصد رشد در زمینه مخابرات در سال ۱۹۹۱ داشته‌اند. در این کشورها تغییرات مهم در فعالیت‌های ساختار توسعه مخابراتی، و سرمایه‌گذاری در آن، و تغییرات مهمی نیز در زمینه‌های مختلف اقتصادی به‌وجود آمده است. عامل مهم دیگر در توسعه مخابرات منطقه، پیدایش تغییرات در نیازهای استفاده کنندگان است.

تا به این زمان مقررات و سیاست‌های مخابراتی در این منطقه خارج از نیازهای زمان و مکان بود، برخی از این سیاست‌ها مورد تجدید نظر قرار گرفته و دچار تغییرات واقعی نظیر ماده قانون ۳۰۸۹ در اندونزی جهت خصوصی‌کردن خدمات غیرپایه‌ای مخابرات شده است. به هر حال اندکی از مقررات دگرگون شده‌اند تا بتوانند وارد معامله با بازار آزاد و عظیم مخابراتی شوند، مخابرات از نظر تکنولوژیکی یک صنعت سریع‌الرشد است و بدنه مقررات تعدیل شده‌ای برای پاسخگویی مناسب و پیش‌بینی‌های لازم مورد نیاز است. رقابت بدون قالب مقرراتی امکان‌پذیر نیست. در آسیای جنوب شرقی و در واقع در جهان، دامنه‌گسترده‌ای از شناخت نیازها برای جدا کردن وظایف مقرراتی و ملی لازم است و در هر صورت آزاد کردن بازاری که بتواند با نیازهای رو به رشد به طور موفقیت‌آمیزی برخورد کند؛ ضروری است.

خصوصی کردن مخابرات در اندونزی فعلاً در دستور کار نیست. هرچند این وضعیت قابل دوام نیست. مردم اندونزی یک ملت کارآمد هستند. با تمرکز بی‌سابقه طرح‌ها در اندونزی و تقدم به توسعه مخابراتی، علی‌رغم محدودیت‌های سرمایه‌ای، بودجه‌ای قابل توجه است. هدف دولت بخش مالی و توریسم است که بایستی از خدمات با کیفیت بالای مخابراتی برخوردار شوند و در این راه کانال‌های مورد نیاز در اختیار قرار داده شود. برخی از بخش‌های روستایی و مناطق شهری با درجات متفاوتی از تقدم این خدمات شرقی بود که توجه خاصی به ارتباط ماهواره‌ای داشت. سیستم ماهواره‌ای پالایا - ا در سال ۱۹۷۶ در این کشور به منظور ارائه خدمات تلفنی ارزان‌قیمت و خدمات تلویزیونی در هزاران جزیره پراکنده این کشور شد. پالایا - ا نیز اکنون ظرفیت فرستنده‌ای را برای تایلند، سنگاپور، مالزی و فیلیپین و گینه جدید جهت ارتباط‌های محلی و تلویزیونی تأمین می‌کند.

علی‌رغم ادامه کنترل دولتی برای توسعه مخابرات، سرمایه‌گذاری خارجی قابل ملاحظه‌ای در اندونزی مطرح است و فشار بیشتری بر آزادسازی بازار و تعدیل مقررات و حتی شاید تغییر ساختار مالکیت دولتی وجود دارد.

یادداشت سردبیر

بی‌اثر اما هشدار دهنده



دقیقاً در آستانه سال نو میلادی، روزنامه‌های آمریکایی گزارش دادند که با توافق رئیس‌جمهور و نمایندگان کنگره این کشور، در سال ۱۹۹۶ میلادی مبلغ بیست میلیون دلار برای انجام عملیات سری علیه جمهوری اسلامی ایران هزینه خواهد شد. راهبرد کلی هیئت حاکمه آمریکا طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. اما در ابراز کینه و دشمنی و نشان دادن چنگ و دندان علیه انقلاب به صورت نوسانی فرود و فراز داشته است. ریشه این فراز و فرودها را می‌توان در مسائل درونی خود هیئت حاکمه آمریکا جستجو کرد. تلاش برای دستیابی به موقعیت بهتر در انتخابات، از طریق جلب حمایت گروه‌های فشار قدرتمند از جمله همین دلایل است. در اقدام اخیر آمریکا بیش از آنکه کلینتون و رئیس سازمان سیا (جان دویچ) صحنه‌گردان باشند، ائتلافی از نهادهای نظامی دوران جنگ سرد، جناح‌های طرفدار اسرائیل در کنگره و جناح طرفدارانش در سیا نقش بازی می‌کردند. داستان از این قرار است که سازمان‌هایی که در ضدیت با شوروی (سابق) شکل گرفته بودند و در جنگ خلیج فارس نیز حضوری فعال داشتند. به دنبال ساختن دشمنی ترسناک برای توجیه ادامه حیات خویشند. گروه‌های فشار صهیونیست نیز که از نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه ناخشنودند از تحت فشار گذاشتن ایران برای گرفتن امتیاز حمایت می‌کنند. سیا نیز می‌کوشد تا توانایی‌های خویش را به رخ کشیده و از این طریق به جذب امکانات اقدام نماید. در واقع سیا خود را در نوعی رقابت با ماهواره‌های جاسوسی و فعالیت‌های تبلیغاتی می‌بیند و در صدد است تا اثبات نماید که در مقایسه با آنها کارایی بیشتری در هجوم به ایران اسلامی دارد.

با توجه به اینکه تلاش‌های جان دویچ برای ایجاد تغییرات در سازمان سیا با مقاومت‌های شدیدی مواجه شده است، تأیید عملیات مخفیانه علیه ایران اسلامی از سوی او را بهایی که برای ایجاد آرامش در درون تشکیلات سیا می‌پردازد باید تلقی کرد.

مجموعه‌ای از انگیزه‌های فوق منجر به تصمیم آمریکا برای انجام چنین مانور ساده‌لوحانه‌ای شده است. هر چند این گونه اقدامات نه تازگی دارد و نه اساساً اثری بر آن مترتب است، اما می‌توان هشدار داد که افزایش دقت ما باشد. تجربه انقلاب اسلامی نشان داده است که حکومت‌هایی که متکی بر مردمی مؤمن، آگاه و متحد باشند با هیچ فشاری از خارج متزلزل نخواهد شد. بهترین پاسخ به اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، افزایش و تعمیق آگاهی‌های سیاسی و مردمی و افزایش حضور فعالانه و قانونی آنها در صحنه و تعمیق هرچه بیشتر روابط میان مستولان و مردم است.

درباره آموزش زبان فارسی

نظام آموزش، به دلیل نقش مهم آن در بسیاری از فرایندهای اجتماعی جمعیت کثیری که در بر می‌گیرد، به نظر عده‌ای از صاحب‌نظران در مرکز تحلیل‌های توسعه قرار دارد. حتی اگر نقش اول را برای آموزش قائل نشویم، نمی‌توان منکر اهمیت آن شد. از این رو، توجه جدی به مشکلات نظام آموزش، ضرورتی غیرقابل انکار است. بهمن در نظر دارد در این ستون مباحث آموزشی را از زاویه‌ای متفاوت به بحث بگذارد و می‌کوشد تا زمینه مشارکت صاحب‌نظران، کارشناسان و مسئولان آموزش را در این بحث از زاویه‌ای متفاوت به بحث بگذارد و تلاش نماید تا زمینه مشارکت صاحب‌نظران، کارشناسان و مسئولان آموزشی را در این بحث فراهم کند. نخستین مطلب به بحث "آموزش زبان فارسی" اختصاص دارد. نویسنده در مجموعه مقالات خود، با نگرشی متفاوت به پرسش‌های بنیادین که هر نوع برنامه‌ریزی آموزشی با آن مواجه است، می‌پردازد. گفت اول بنویسد چرا چنین می‌کنیم تا مردم بدانند چرا و چگونه آن را پذیرا شوند. درد ما نداشتن نیست، نداشتن است. گفتم اگر اول بنویسیم چه چیزی را چرا و چگونه یاد بگیریم شاید به این زودی نوبت به چاپ درس‌ها نرسد. گفت: اگر چه یاد گرفتن مهم‌ترین است. چرا و چگونه انگیزه و توان یادگیری است. چرا و چگونه باید در خدمت چه باشد. گفتم آیا نباید توان خواندن را در آنان که چنین توانی ندارند، دامن زینم؟ گفت: توان خواندن سواد نیست؛ باید ذهن‌ها را باز کرد. "سواد" شیوه راه بردن زندگی است. گفتم ما در نوشته‌هایمان، شناخت واقعیت‌ها را دامن زده‌ایم و دانش درک رابطه‌ها را. گفت: دانش اگر در خدمت دانایی نباشد توان علمی هست ولی توان راه بردن زندگی نیست. دانش در خدمت دانایی توانایی است. گفتم ما در درس‌هایمان، از زندگی مردم، با مردم، به زبان مردم - از دیدگاه علمی - حرف زده‌ایم. گفت: اگر مردم را با آنچه ندارند و ندیده‌اند و نمی‌شناسند ولی نیاز دارند، آشنا کردی کار علمی تازه‌ای کرده‌ای. ما باید به درستی بدانیم؛ چه می‌خواهیم، چرا می‌خواهیم؛ چگونه آن را به دست آوریم؛ چطور آن را به خدمت زندگی بگیریم. گفتم: ما دانش کاربردی را داده‌ایم تا آنان با تمرین و تمرین و تمرین امر رفتاری‌شان کنند. گفت: تا ما در فضای کار و زندگی آنان قرار نگیریم و پنجه‌هایشان را در دست و پنجه نرم کردن با مشکلات نیرومند نکنیم، مصرف آن دانش را نمی‌دانند. دانش اگر در خدمت دانایی و دانایی اگر در خدمت کارایی و کارایی اگر در خدمت راه‌بردن پرشکوه زندگی نباشد... پس برای چیست؟ گفتم: ما دانش و دانایی و شیوه‌های راه بردن زندگی را - در نوشته‌های درسی‌مان - دامن زده‌ایم. ولی با کارایی چه کنیم؟ گفت: آموزش و یادگیری باید موازی کار و تولید حرکت کند؛ هر کس هر کاری می‌کند به اعتبار دانش آن کار باشد و هر کس هرچه یاد می‌گیرد در خدمت تلاش و تولید. خود راه بردن زندگی اگر ریشه در دانش نداشته باشد می‌خشکد. هرمز انصاری

این هفته

- نخستین نمایشگاه کتابهای تخصصی خارجی از ۱۸ دی ماه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار می‌شود. این نمایشگاه تا ۲۴ دی ماه ادامه خواهد داشت و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری می‌توانند به صورت مستقیم و با تخفیف، کتابهای ارائه شده را خریداری کنند.
- کنسرت موسیقی حسام‌الدین سراج از تاریخ ۱۶ دی ماه به مدت ۳ شب در کرج برگزار می‌شود.
- سومین دوره مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن کریم دانش‌آموزان از تاریخ ۱۶ دی ماه در سالن حج و زیارت از سوی آموزش و پرورش، افتتاح می‌شود. این مسابقات تا ۲۰ دی ماه ادامه خواهد داشت.
- هفتمین نمایشگاه استانی توسعه شیلات و عرضه محصولات آبی از تاریخ ۱۶ دی ماه تا ۲۲ دی ماه ۱۳۷۴ در اصفهان برگزار می‌شود.
- سمینار بررسی نتایج سنجش سراسری کودکان آماده ورود به دبستان برای سال تحصیلی ۷۴-۷۳، در روز ۲۰ دی ماه در محل مرکز آفرینش‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود.
- نگارخانه آفرینش، عکسهایی از جلال معیریان را با عنوان چهره‌پردازی در سینمای ایران، به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه از روز ۱۷ دی‌ماه گشایش می‌یابد.

تلاش یک چه

اقتصاد در کامپ توان تو پین پذیرد ایستگا ایر می‌رود.

بار شا فر

مخ

انت

مش

آت

س